



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

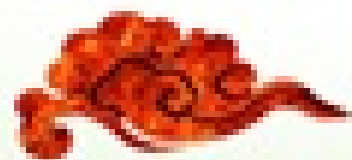
.net

.ir



اهمیت فرهنگ

از منظر آیات و روایات



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اهمیت فرهنگ از منظر آیات و روایات

نویسنده:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	اهمیت فرهنگ از منظر آیات و روایات
۹	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۶	چکیده
۱۷	مقدمه
۱۷	اشاره
۱۹	پرسش اصلی
۱۹	پرسش فرعی
۲۱	فصل اول
۲۱	اشاره
۲۳	کلیات
۲۳	اشاره
۲۵	تعریف لغوی و اصطلاحی فرهنگ
۲۶	نسبت میان دین و فرهنگ
۲۷	۱. دین محصول فرهنگ است
۲۷	۲. دین از عوامل فرهنگ ساز است
۲۸	۳. دین منشأ فرهنگ سازی است
۳۰	نتیجه گیری
۳۳	فصل دوم
۳۳	اشاره
۳۵	اهمیت فرهنگ از منظر آیات و روایات
۳۵	۱. کار فرهنگی بهترین کار است
۳۶	۲. ارزش کار فرهنگی روی یک نفر (هدایت) برابر با احیای جامعه است

- ۳۷ ۳. ایجاد انحراف در مسائل فرهنگی، بالاترین ظلم هاست
- ۳۸ ۴. انجام فعالیت‌های فرهنگی پیامبر صلی الله علیه و آله منت الهی بر مؤمنان
- ۳۹ فصل سوم
- ۳۹ ویژگی های کار فرهنگی از منظر آیات و روایات
- ۳۹ اشاره
- ۴۲ ۱. آغاز هر کار از جمله فرهنگی باید با نام خدا باشد
- ۴۳ ۲. نتیجه یک کار فرهنگی باید ایجاد حیات معنوی باشد
- ۴۴ ۳. محور کار فرهنگی دعوت به یکتاپرستی و مبارزه با طاغوت است
- ۴۴ ۴. در کار فرهنگی تزکیه مقدم بر تعلیم است
- ۴۵ ۵. توفیق به ثمر رسیدن کار فرهنگی از آن خداست
- ۴۷ ۶. در کار فرهنگی باید استقامت داشت
- ۴۸ ۷. عنصر زمان و مکان در کارهای فرهنگی اهمیت دارد
- ۴۹ ۸. مباحث فرهنگی باید آسان، روان، عوام فهم و خواص پسند باشد
- ۵۰ ۹. مؤلفه‌های گفتمان فرهنگی هدایت: استدلال، موعظه و در مواردی مناظره
- ۵۱ ۱۰. غرض از کار فرهنگی باید نجات مردم از تاریکی ها به سوی نور باشد
- ۵۲ ۱۱. در کار فرهنگی باید سطح مخاطب را در نظر گرفت
- ۵۵ ۱۲. کار فرهنگی را باید از خانواده و نزدیکان شروع کرد
- ۵۶ ۱۳. پذیرایی و میهمانی هموارکننده کار فرهنگی
- ۵۷ ۱۴. کار فرهنگی باید مداوم و بی وقفه و متنوع باشد
- ۵۸ ۱۵. کار فرهنگی باید تدریجی و از روی نظم و برنامه باشد
- ۶۰ ۱۶. توجه به مسائل مادی مردم زمینه ساز کار فرهنگی است
- ۶۲ ۱۷. تجلیل بزرگان: اقدامی فرهنگی
- ۶۳ ۱۸. به کارگیری همه ابزارها و فرصت ها در امور فرهنگی
- ۶۴ ۱۹. از غلو و افراط در کارهای فرهنگی باید پرهیز کرد
- ۶۵ ۲۰. استقلال فرهنگی باید حفظ شود
- ۶۷ ۲۱. در کارهای فرهنگی باید مشورت کرد

۶۸ ۲۲. اصلاحات فرهنگی باید با آزادی و انتخاب آگاهانه مردم باشد

۷۰ ۲۳. در کارهای فرهنگی باید به ادبیات مخاطبان آشنا بود

۷۲ ۲۴. خنده و گریه از ابزارهای مجاز کار فرهنگی است

۷۳ ۲۵. شکستن خرافات و رسوم جاهلی یکی از وظایف مسئولان فرهنگی است

۷۵ ۲۶. در مبارزات فرهنگی عفت زبان و ادب را باید رعایت کرد

۷۷ ۲۷. کارهای فرهنگی گاهی به از خودگذشتگی، ایثار و جان فشانی نیاز دارد

۸۰ فصل چهارم

۸۰ ویژگی های مسئولان و متولیان فرهنگی از نگاه آیات و روایات

۸۰ اشاره

۸۲ ۱. مسئولان فرهنگی باید روح بزرگ داشته باشند

۸۳ ۲. مسئولان فرهنگی باید خوش اخلاق و نرم دل باشند

۸۵ ۳. مسئول فرهنگی باید ظاهری آراسته داشته باشد

۸۶ ۴. مسئولان فرهنگی دائماً باید در فکر رشد علمی باشند

۸۷ ۵. مسئولان فرهنگی نباید چشم انتظار مالی از مردم داشته باشند

۸۹ ۶. متولیان فرهنگی باید شناختی عمیق از دین داشته باشند

۹۰ ۷. مسئولان فرهنگی باید سوز و شور داشته باشند

۹۲ ۸. کارگزاران فرهنگی باید شجاعت و شهامت داشته باشند

۹۳ ۹. زبان و دل متولیان فرهنگی باید هماهنگ باشد (به آنچه می گویند عامل باشند)

۹۵ ۱۰. پاداش و کیفر متولیان فرهنگی دو چندان است

۹۶ ۱۱. متولیان فرهنگی باید اهل بصیرت باشند

۹۷ ۱۲. حکومت اسلامی باید کار فرهنگی را جزو شرح وظایف اصلی خود به حساب آورد

۱۰۰ فصل پنجم

۱۰۰ تهاجم فرهنگی از منظر آیات و روایات

۱۰۰ اشاره

۱۰۳ تعریف تهاجم فرهنگی

۱۰۴ وجود انگیزه های تهاجم فرهنگی در دل دشمنان

۱۰۵	زمینه های تهاجم فرهنگی
۱۰۵	اشاره
۱۰۵	الف) دوستی دنیا زمینه پذیرش تهاجم فرهنگی
۱۰۷	ب) اعتقاد نداشتن به آخرت زمینه پذیرش تهاجم فرهنگی
۱۰۷	موسیقی های مبتذل از ابزارهای تهاجم فرهنگی
۱۰۹	برخی شیوه های تهاجم فرهنگی
۱۰۹	اشاره
۱۰۹	الف) استفاده از نمادهای مذهبی در تهاجم فرهنگی
۱۱۲	ب) جلوگیری از اشاعه فرهنگ اسلام از انقلاب
۱۱۳	راه های مبارزه با تهاجم فرهنگی
۱۱۳	اشاره
۱۱۳	الف) اعتماد نداشتن به مهاجمان فرهنگی
۱۱۵	ب) مجازات و طرد مفسدان فرهنگی
۱۱۶	ج) استفاده از روش های ایجابی قبل از برخورد سلبی
۱۱۹	منابع
۱۱۹	کتاب
۱۲۰	مقالات
۱۲۱	درباره مرکز

اهمیت فرهنگ از منظر آیات و روایات

مشخصات کتاب

تهیه کننده و ناشر: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

صفحه آرا: محمد صادقی

چاپ: اول / ۱۳۹۳

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

شابک: ۵ - ۳۳۶ - ۵۱۴ - ۹۶۴ - ۹۷۸

قیمت: ۰۰۰۰۰ ریال

کلیه حقوق چاپ و نشر محفوظ است

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما؛

تلفن: ۳۲۹۱۵۵۱۱ - ۰۲۵ دورنگار: ۳۲۹۱۵۵۱۰

تهران: خیابان جام جم، ساختمان شهید رهبر، طبقه زیر زمین؛

تلفن: ۲۲۰۱۴۷۳۸ - ۰۲۱ نمابر: ۲۲۱۶۴۹۹۷

دفتر خراسان: مشهد، خیابان امام خمینی رحمه الله، جنب باغ ملی، ساختمان صبا، طبقه سوم؛ تلفن: ۲۲۱۵۱۰۸ - ۰۵۱۱ نمابر:

۲۲۱۵۱۰۶

ص: ۱

اشاره

رهبر انقلاب در سخنرانی خود در ابتدای سال ۱۳۹۳ در مشهد، درباره اهمیت فرهنگ و نقش آن در ابعاد دیگر جامعه فرمودند:

عزیزان من! فرهنگ از اقتصاد هم مهم تر است. چرا؟ چون فرهنگ به معنای هوایی است که ما تنفس می کنیم. شما ناچار هوا را تنفس می کنید. چه بخواهید چه نخواهید؛ اگر این هوا تمیز باشد، آثاری دارد در بدن شما. اگر این هوا کثیف باشد آثار دیگری دارد. فرهنگ یک کشور مثل هواست. اگر درست باشد آثاری دارد. الآن درباره تولید داخلی حرف می زنیم. اگر بخواهیم مصرف تولیدات داخلی به معنای واقعی کلمه تحقق پیدا کند، باید فرهنگ تولید داخلی در ذهن مردم جا بیفتد. اگر بخواهیم مردم اسراف نکنند، بایستی این، باور مردم شود. این یعنی فرهنگ.

رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی) به عنوان دیده بان و هدایت گر نظام، با درایت و تیزبینی بی نظیر خود، چالش ها و مشکلات پیش روی جامعه ایرانی را رصد می کنند و هر ساله، در قالب شعار سال، همه مردم و مسئولان و نخبگان کشور را به تلاش و کوشش فرا می خوانند.

معظم له سال ۱۳۹۳ را سال «اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی» نام نهادند. گویا مسئله اقتصاد در این سال اهمیت خاصی دارد و پاشنه آشیل جمهوری اسلامی در مقابل استکبار جهانی خواهد بود. کما اینکه استکبار بعد از شکست در جبهه های نظامی و سیاسی و اجتماعی، روی مسائل اقتصادی متمرکز شده و با وضع تحریم های سنگین اقتصادی که شاید در تاریخ جهان امروزی بی سابقه بوده است، به زعم خود نابودی جمهوری اسلامی را هدف قرار داده اند.

نکته مهم در انتخاب شعار سال ۹۳ این است که علاوه بر تأکید بر مسائل اقتصادی، مسائل فرهنگی نیز به عنوان چالش مهم کشور مطرح شده است که بیانگر فعالیت مضاعف دشمن در این جبهه است. علت آن نیز روشن است؛ زیرا فرهنگ روح و جان هر ملت است و صعود و سقوط هر ملتی، بسته به فرهنگ آن ملت است. استکبار به این نتیجه رسیده است که برای اثرگذاری تحریم های اقتصادی، باید فرهنگ نیز مورد حمله قرار گیرد تا تحریم ها اثر خود را بگذارد.

در این نوشتار سعی داریم تا با بررسی فرهنگ از دیدگاه اسلام (آیات و روایات)، پاره ای از زوایای پنهان فرمایش مقام معظم رهبری را زیر ذره بین ببریم تا برنامه سازان در تهیه برنامه هایی با موضوع فرهنگ از آن سود ببرند.

رهبر انقلاب در سخنرانی خود در ابتدای سال ۱۳۹۳ در مشهد، درباره اهمیت فرهنگ و نقش آن در ابعاد دیگر جامعه فرمودند:

عزیزان من! فرهنگ از اقتصاد هم مهم تر است. چرا؟ چون فرهنگ به معنای هوایی است که ما تنفس می کنیم. شما ناچار هوا را تنفس می کنید. چه بخواهید چه نخواهید؛ اگر این هوا تمیز باشد، آثاری دارد در بدن شما. اگر این هوا کثیف باشد آثار دیگری دارد. فرهنگ یک کشور مثل هواست. اگر درست باشد آثاری دارد. الآن درباره تولید داخلی حرف می زنیم. اگر بخواهیم مصرف تولیدات داخلی به معنای واقعی کلمه تحقق پیدا کند، باید فرهنگ تولید داخلی در ذهن مردم جا بیفتد. اگر بخواهیم مردم اسراف نکنند، بایستی این، باور مردم شود. این یعنی فرهنگ.

رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی) به عنوان دیده بان و هدایت گر نظام، با درایت و تیزبینی بی نظیر خود، چالش ها و مشکلات پیش روی جامعه ایرانی را رصد می کنند و هر ساله، در قالب شعار سال، همه مردم و مسئولان و نخبگان کشور را به تلاش و کوشش فرا می خوانند.

معظم له سال ۱۳۹۳ را سال «اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی» نام نهادند. گویا مسئله اقتصاد در این سال اهمیت خاصی دارد و پاشنه آشیل جمهوری اسلامی در مقابل استکبار جهانی خواهد بود. کما اینکه استکبار بعد از شکست در جبهه های نظامی و سیاسی و اجتماعی، روی مسائل اقتصادی متمرکز شده و با وضع تحریم های سنگین اقتصادی که شاید در تاریخ جهان امروزی بی سابقه بوده است، به زعم خود نابودی جمهوری اسلامی را هدف قرار داده اند.

نکته مهم در انتخاب شعار سال ۹۳ این است که علاوه بر تأکید بر مسائل اقتصادی، مسائل فرهنگی نیز به عنوان چالش مهم کشور مطرح شده است که بیانگر فعالیت مضاعف دشمن در این جبهه است. علت آن نیز روشن است؛ زیرا فرهنگ روح و جان هر ملت است و صعود و سقوط هر ملتی، بسته به فرهنگ آن ملت است. استکبار به این نتیجه رسیده است که برای اثرگذاری تحریم های اقتصادی، باید فرهنگ نیز مورد حمله قرار گیرد تا تحریم ها اثر خود را بگذارد.

در این نوشتار سعی داریم تا با بررسی فرهنگ از دیدگاه اسلام (آیات و روایات)، پاره ای از زوایای پنهان فرمایش مقام معظم رهبری را زیر ذره بین ببریم تا برنامه سازان در تهیه برنامه هایی با موضوع فرهنگ از آن سود ببرند.

گفتنی است در آغاز سال ۱۳۹۲ و به مناسبت شعار آن سال، ۱۰ عنوان کتاب در زمینه اقتصاد تهیه و به برنامه سازان رسانه تقدیم کردیم. بنابراین، برای اختصار، بعد اقتصادی موضوع را به مجموعه فوق واگذار نموده، در این جزوه تنها به مقوله فرهنگ می پردازیم.

پرسش اصلی

پرسش اصلی

دیدگاه اسلام (آیات و روایات) درباره فرهنگ چیست؟

پرسش فرعی

پرسش فرعی

— فرهنگ چیست و چه نسبتی با دین دارد؟

— ویژگی های کار فرهنگی از نگاه اسلام چگونه است؟

— متولیان فرهنگی از نگاه آیات و روایت چه ویژگی هایی باید داشته باشند.

— دیدگاه اسلام (آیات و روایات) درباره تهاجم فرهنگی دشمنان چیست؟

ص: ۱۳

فصل اول

اشاره

کلیات

اشاره

کلیات

در این نوشتار سعی داریم تا اهمیت و جایگاه فرهنگ و مسئولیت کارگزاران و متولیان فرهنگی و راه های نفوذ فرهنگی دشمنان را از دیدگاه قرآن و روایات و به طور کلی از منظر بررسی کنیم. دست یابی به این مهم، نیازمند پاسخ گویه به پرسش های زیر است: فرهنگ چیست؟ دین چیست؟ قلمرو هر یک از این دو به چه میزانی است؟ نسبت بین دین و فرهنگ چیست؟ آیا این دو در یکدیگر اثر دارند یا بیگانه هستند. برای رسیدن به این پاسخ ها مباحث زیر را فراهم آورده ایم.

تعریف دین: تعاریف بسیاری برای دین بر شده است. علامه طباطبایی در المیزان دین را این گونه تعریف کرده است:

«دین عبارت است از: یک سلسله معارف علمی که معارف عملی به دنبال دارد و جامع همه آن معارف، یک کلمه است و آن عبارت است از «اعتقادات»»^(۱).

حضرت آیت الله جوادی آملی دین را این گونه تعریف کرده است:

«مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی است که برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسان ها باشد»^(۲).

حضرت آیت الله مصباح یزدی نیز در تعریف دین می گوید:

«اعتقاد به آفریننده ای برای جهان و انسان، و دستورات عملی متناسب

۱- ترجمه المیزان، ج ۲، ص ۵۲۳.

۲- شریعت در آینه معرفت، ص ۹۳.

با این عقاید می باشد» (۱).

بر اساس این تعریف ها، دین از سه دسته معارف تشکیل می شود. ۱. عقاید، ۲. اخلاق، ۳. احکام و هدف از دین، پرورش نهادن سعادت دنیوی و اخروی آنهاست.

قلمرو دین: در مسئله قلمرو دین و گستره شریعت، اقوال و نظرهای گوناگونی بیان شده است.

برخی بر این نظرند که دین فقط عهده دار مسائل فردی و بیان رابطه بین انسان و خداست و در مورد مسائل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نظری ندارد. انسان ها باید در این امور، به کمک عقل تصمیم بگیرند. به عبارت دیگر، دین در این موارد حداقلی عمل کرده است.

دسته دیگر معتقدند دین نه تنها به مسائل فردی و بیان ارتباط انسان با خدا وارد شده است، بلکه به مسائل اجتماعی و سیاسی نیز پرداخته است و به عبارتی، حداکثری عمل کرده است.

آنچه علمای بزرگ معاصر نظر دوم را تأیید کرده اند، حضرت علامه طباطبایی در المیزان می فرمایند:

دین عبارت است از روش خاصی در زندگی دنیا که هم صلاح زندگی دنیا را تأمین می کند و هم در عین حال با کمال اخروی و زندگی دائمی و حقیقی در جوار خدای تعالی موافق است. ناگزیر چنین روشی باید در شریعتش قوانینی باشد که متعرض حال معاش به قدر احتیاج نیز باشد. (۲)

حضرت آیت الله جوادی نیز در باب حداکثری بودن دین می فرمایند:

۱- آموزش عقاید، ج ۱، ص ۱۱.

۲- ترجمه المیزان، ج ۲، ص ۱۹۴.

آنچه که در کتب عقلی برای ضرورت وحی و دین ذکر کرده اند، دین را تنها برای روابط فردی خلق با خداوند یا برای روابط اخلاقی انسان ها نسبت به یکدیگر اثبات نمی نماید، بلکه آن را برای برقراری نظام قسط و عدل ضروری می شمارد. (۱)

بنابراین، گستره دین و به خصوص اسلام، به جهان آخرت و امور فردی منحصر نیست، بلکه شمول آن در جهاتی است که به سعادت و آرامش دنیوی و اخروی انسان مربوط می شود.

تعریف لغوی و اصطلاحی فرهنگ

تعریف لغوی و اصطلاحی فرهنگ

«فرهنگ» در لغت به معنی تعلیم و تربیت (۲) است و در اصطلاح عبارت است از «ابزارها، رسوم، معتقدات، علوم، هنرها و سازمان های اجتماعی». (۳)

بنابراین، فرهنگ معنای گسترده ای دارد و شامل علوم، هنر، اخلاق، آداب و رسوم، عادات و نهادها می شود.

فرهنگ، اساس و پایه اجتماع و سبب پیوند اعضای آن است. شخصیت جمعی و هویت اجتماعی هر جامعه ای به فرهنگ آن مستند است. (۴)

مقام معظم رهبری در تعریف فرهنگ فرمودند:

«فرهنگ، یعنی خلیات و ذاتیات یک جامعه و بومی یک ملت،

۱- عبدالله جوادی آملی، شریعت در آینه معرفت، ص ۱۱۶، با اندکی تغییر.

۲- علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۱۱، ص ۱۷۱۳۲.

۳- آریان پور، زمینه جامعه شناسی، ص ۱۲۰.

۴- اقتصاد، فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی: مفاهیم و دیدگاه ها، ص ۱۳.

تفکراتش، ایمانش، آرمانش، اینها تشکیل دهنده مبانی فرهنگ یک کشور است»^(۱).

بنابراین، فرهنگ روح و جان ملت و کشور است. اگر فرهنگ کشور متعالی باشد، آن کشور امید به پیشرفت دارد و آلا باید به اصلاح فرهنگ خود پردازد.

ویژگی های زیر را می توان برای فرهنگ در نظر داشت:^(۲)

۱. انسانی بودن؛ فرهنگ حاصل توانایی خاص ذهنی و دستی بشر است؛
۲. اجتماعی بودن؛ فرهنگ عصاره زندگانی اجتماعی است؛
۳. تأثیر و تأثر؛ فرهنگ جامعه و افراد انسانی در یکدیگر تأثیر و تأثر متقابل دارند؛
۴. قابلیت انتقال به عنوان یک میراث فرهنگی یا اجتماعی از نسلی به نسل دیگر قابل انتقال است؛
۵. فرهنگ اکتسابی است؛
۶. دو بعدی بودن فرهنگ؛ یعنی هم جنبه مادی و هم جنبه معنوی متمایز دارد.

نسبت میان دین و فرهنگ

نسبت میان دین و فرهنگ

بعد از تعریف دین و فرهنگ و بیان قلمرو و گستره آن، به نسبت میانی این دو می پردازیم.

۱- مقام معظم رهبری، فرهنگ در منظر مقام معظم رهبری، ص ۸۵.

۲- محمدحسین جمشیدی، «تهاجم فرهنگی چیست؟»، فصل نامه مطالعات بسیج، صص ۹۳ و ۹۴.

در باب نسبت میان دین و فرهنگ سه رویکرد ارائه شده است.

۱. دین محصول فرهنگ است

۱. دین محصول فرهنگ است

بر اساس این نظریه، فرهنگ مولود تحولات اجتماعی است و دین به عنوان یکی از نهادهای زیرمجموعه فرهنگ و ساخته و پرداخته آن است. بشر برای زندگی بهتر و آرامش تر خود و همچنین برای تأمین بخشی از نیازهایش که از طریق دیگر قابل تأمین نیست، دین را ساخته و به آن پرداخته است. در نتیجه دین نقش هدایت گری نسبت به فرهنگ ندارد، بلکه در خدمت فرهنگی است. (۱) دورکیم از جمله نمایندگان این نظریه است. به باور دورکیم، دین پدیده جمعی و آفریده اجتماعی است و در حقیقت، دین همان جامعه است که بر کرسی قداست تکیه زده و معبود افراد جامعه قرار گرفته است و وجودش برای حیات اجتماعی از ضروریات است. (۲)

ریشه این نظریه به نگاه ناقص به دین و تعریف نابه جا از دین برمی گردد؛ زیرا دین امری ماوراءالطبیعی است که در فطرت انسان ها ریشه دارد.

۲. دین از عوامل فرهنگ ساز است

۲. دین از عوامل فرهنگ ساز است

بر اساس این رویکرد، دین و فرهنگ در عرض یکدیگرند و با همدیگر تعامل دارند. به این معنی که دین در فرهنگ سازی و فرهنگ در دین اثرگذار است و یا دست کم در شناخت از دین مؤثر است. صاحب نظران

۱- علی رضا پیروزمند، «نقش دین در مهندسی فرهنگی کشور»، ص ۲.

۲- محمد بهرامی، «نسبت دین و فرهنگ از نگاه قرآن»، نشریه پژوهش های قرآنی، ص ۱۲.

این نظریه معتقدند فرهنگ از اجزای مختلفی تشکیل شده است. مانند آداب، رسوم، رفتارها، هنر، ارزش ها، خط و زبان که دین نیز یکی از این اجزاست. در واقع، صاحبان این نظریه به دین نگاه حداقلی دارند، یعنی قلمرو دین را فقط مسائل فردی و آخروی می دانند و محدوده ای فراتر از این برای دین قائل نیستند. نگرش معنویت گرای مسیحی، جزو این دسته هستند و برخی متفکران اسلامی نیز این نظریه را قبول دارند و از آن پشتیبانی می کنند. (۱)

۳. دین منشأ فرهنگ سازی است

۳. دین منشأ فرهنگ سازی است

در این نظریه دین، ابزار سرپرستی بشر، در همه شئون فردی، اجتماعی و تاریخی است و به اصطلاح، دین حداکثری، اساس این نظریه است. لازمه چنین مبنایی این است که دین آموزه های خود را نسبت به شکل دهی باورها، ارزش ها و رفتار بشر، در معرض استفاده پیروان ادیان الهی به ویژه اسلام قرار داده است و به این ترتیب راه کمال و سعادت را به مؤمنان نشان داده است. از سوی دیگر فرهنگ، مجموعه پذیرش های هنجاریافته، در بخش های اخلاقی، ارزشی و اعتقادی است. به این ترتیب بین عرصه دین و فرهنگ خبرگزاری فارس، نزدیکی تنگاتنگی ایجاد می شود. (۲)

بنابراین، هم دین در فرهنگ مؤثر است و می تواند به اصلاح یا حذف آن بینجامد و هم فرهنگ می تواند در فهم از دین، اثرگذار باشد. در مورد تأثیر نقش دین در فرهنگ مواردی می توان اشاره کرد. برای مثال در زمان

۱- نقش دین در مهندسی کشور، ص ۲.

۲- نقش دین در مهندسی کشور، ص ۳.

جاهلیت، اعراب، فرهنگ خاصی در برخورد با اعضای خانواده داشتند. در این فرهنگ، فرزندان پسر از جایگاه خاصی برخوردار بودند و فرزندان دختر، مایه ننگ و عار خانواده خوانده می شدند و پدران دختران، خود را زنده به گور می کردند. (۱) با ظهور اسلام، این فرهنگ باطل شد و دختران به مقام و منزلت پسران رسیدند.

همچنین برای نمونه می توان از تعدد زوجات در زمان جاهلیت اعراب نام برد که این امر بدون قید و ضابطه ای انجام می شد و به عنوان فرهنگ اصیل جاهلی جا افتاده بود. اسلام با تغییر برخی از آداب آن و ایجاد چارچوب و شرایطی ویژه آن را تأیید کرد. از این دست مسائل بسیار به چشم می خورد.

تأثیری که فرهنگ در فهم از دین دارد و طرفداران دین را به مبانی و روش های فهم دین رهنمون می سازد بدین صورت است که شاخه های گوناگون علوم که در شمار عناصر فرهنگی قرار می گیرند، در فهم بخش های گوناگون دین یاریگر دین پژوه خواهد بود و فهم او را از دین متحول خواهد کرد. (۲)

نظر بسیاری از علمای اسلام به خصوص امام راحل رحمه الله و مقام معظم رهبری با این رویکرد مطابق است. (۳)

سخنان حضرت امام راحل و مقام معظم رهبری درباره فرهنگ، به خصوص نام گذاری سال ۱۳۹۳ به عنوان سال اقتصاد و فرهنگ را باید از این منظر توجیه کرد.

۱- محمد بهرامی، نسبت دین و فرهنگ از نگاه قرآن، پژوهش های قرآنی، ص ۱۱.

۲- محمد بهرامی، نسبت دین و فرهنگ از نگاه قرآن، پژوهش های قرآنی، ص ۲۴.

۳- فرهنگ در منظر مقام معظم رهبری، ص ۳.

نتیجه گیری

نتیجه گیری

در این نوشتار، بر طبق رویکرد سوم (از رویکردهای موجود در نسبت میان دین و فرهنگ) مشی می کنیم و بر این باور هستیم که دین اسلام به تمام مسائل لازم زندگی فردی و اجتماعی انسان توجه داشته و آنچه را در سعادت و خوشبختی دنیوی و اخروی بشر مؤثر است بیان کرده است.

برای درک تأثیر اسلام بر فرهنگ جاهلی عرب می توان به این کلام امیرمؤمنان علی علیه السلام توجه کرد. ایشان در تشریح وضعیت فرهنگی مردم عرب جاهلی هنگام بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید:

خداوند، پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله را هشداردهنده جهانیان مبعوث فرمود تا امین و پاسدار وحی الهی باشد، درحالی که شما ملت عرب، بدترین دین را داشته، و در بدترین خانه زندگی می کردید، میان غارها، سنگ های خشن و مارهای سمی خطرناک فاقد شنوایی، به سر می بردید. آب های آلوده می نوشیدید و غذاهای ناگوار می خوردید. خون یکدیگر را به ناحق می ریختید و پیوند خویشاوندی را می بریدید، بت ها را می پرستیدید پرستش می شد و مفسد و گناهان شما را فراگرفته بود. (۱)

با مقایسه این وضعیت فرهنگی عرب جاهلی با فرهنگی که پیامبر اسلام با اتکا به وحی، برای همان مردم به ارمغان آورده، به نقش اسلام در فرهنگ سازی پی می بریم. اسلام و به خصوص پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله به

۱- نهج البلاغه (صبحی صالح)، ص ۶۸، نهج البلاغه (ترجمه: محمد دشتی) ص ۷۳.

سه شیوه با عناصر فرهنگ رایج بین مردم عمل می کرد.

۱. حذف: اگر آن عنصر بامبانی اسلام ناسازگار بود و هرگز قابل اصلاح نبود، پیامبر آن را حذف می کردند و قانون جدیدی را جانشین آن می کردند.

۲. اصلاح: اگر عناصر آن فرهنگ با معارف اسلام تا حدی در تعارض بود، اما قابلیت اصلاح را داشت، حضرت آن را اصلاح می کردند.

۳. پذیرش: اگر آن فرهنگ با مبانی اسلام در تضاد نبود و مطابق فطرت انسان ها بود و برای جامعه نیز مصلحت داشت، حضرت آن را قبول می کردند و مهر تأیید بر آن می زدند.

بنابراین، قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله از عوامل فرهنگ ساز در جامعه اسلامی است.

اسلام برای اشاعه این فرهنگ ناب الهی، از روش ها و شیوه های خاص خود استفاده کرد و برای متولیان و هدایت گران فرهنگ ناب اسلامی نیز شرایطی قرار داده است. بنابراین، در کشور ما که انقلاب اسلامی رخ داده و مردم و مسئولان درصدد برپایی فرهنگ غنی اسلامی هستند، باید این توصیه هایی قرآن و روایی را مد نظر داشت و به شیوه ای عمل کرد که پیامبران و معصومان علیهم السلام در اشاعه فرهنگ اسلامی عمل می کردند.

بی شک، ترویج فرهنگ مبتنی بر اسلام، از راهی غیر از کتاب و سنت به منزل نخواهد رسید. از این رو، در این نوشتار می کوشیم تا با تبیین توصیه های این دو منبع الهی در فعالیت های فرهنگی، همه دست اندرکاران فرهنگی را در رسالت خطیرشان یاری رسانیم.

ص: ٢٥

فصل دوم

اشاره

اهمیت فرهنگ از منظر آیات و روایات

۱. کار فرهنگی بهترین کار است

۱. کار فرهنگی بهترین کار است

خداوند می فرماید: «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَ عَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ؛ چه کسی را نیکوتر از سخن آنکه به سوی خدا دعوت می کند و کارهای شایسته می کند و می گوید البته که من از مسلمانانم». (فصلت: ۳۳)

شأن نزول آیه در مورد پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله است، اما به ایشان اختصاص ندارد و شامل هر فردی می شود که مردم را به خدا و طاعت او دعوت کند. بنابراین، دعوت به خداوند یک کار فرهنگی است، بهترین کار است؛ زیرا خداوند جامعه تمام خوبی ها و ضد همه بدی ها و کثی هاست در حدیثی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله درباره ارزش کسی که مردم را هدایت می کند و به سوی خدا رهنمون می سازد می فرماید: «يَا عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَأَنَّ يَهْدِيَ اللَّهُ عَلَى يَدَيْكَ رَجُلًا خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ؛ ای علی اگر خداوند به دستان تو انسانی را هدایت کند، از آنچه خورشید بر آن تابیده است برای تو بهتر است».(۱)

بنابراین، تبلیغ و دعوت به سوی خدا کار مهم ارزشی و فرهنگی است. دست اندرکاران فرهنگ باید توجه داشته باشند که کار خوب فرهنگی آن

نیست که علمی باشد یا هنری باشد یا انسان های بزرگ آن را انجام دهند، بلکه باید جهت آن نیز الهی باشد و آن دعوت به سوی حق است. در واقع، آیه فوق نشان دهنده شاخص برای کار فرهنگی با ارزش است.

۲. ارزش کار فرهنگی روی یک نفر (هدایت) برابر با احیای جامعه است

۲. ارزش کار فرهنگی روی یک نفر (هدایت) برابر با احیای جامعه است

خداوند می فرماید:

وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا؛ هر کس، کس دیگری را حیات بخشد، چون کسی است که همه مردم را حیات بخشیده باشد. (مائده: ۳۲)

مراد از احیا و زنده کردن در آیه، نجات انسان از مرگ نیست، بلکه بنا بر تعبیراتی که در قرآن آمده به هدایت به سوی حق نیز، احیا اطلاق می شود. چنانکه در آیه «أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ...؛ آیا کسی که مرده بود و ما زنده اش کردیم...» (انعام: ۱۲۲) کسی که فرد گمراهی را به سوی ایمان راهنمایی کند، او را زنده کرده است. (۱)

همچنین امام صادق علیه السلام در پاسخ به پرسش راوی که از تفسیر آیه فوق پرسیده بود فرمود:

مَنْ أَخْرَجَهَا مِنْ ضَلَالٍ إِلَى هُدًى فَقَدْ أَحْيَاهَا وَمَنْ أَخْرَجَهَا مِنْ هُدًى إِلَى ضَلَالَةٍ فَقَدْ قَتَلَهَا. (۲)

کسی که فردی را از گمراهی نجات دهد و او را هدایت کند، به تحقیق او را حیات بخشیده و کسی که فرد را از هدایت به گمراهی بکشاند، او را کشته است.

۱- ترجمه المیزان، ج ۵، ص ۵۱۹.

۲- تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۳۱۳.

بنابراین، مفهوم آیه این خواهد بود که هدایت یک فرد در کار فرهنگی، ارزش حیات بخشیدن و نجات همه انسان ها را خواهد داشت که نشان دهنده اهمیت بالای کار فرهنگی است و این آیه بهترین آیه در نشان دادن اهمیت و ارزش کار فرهنگی است.

۳. ایجاد انحراف در مسائل فرهنگی، بالاترین ظلم هاست

۳. ایجاد انحراف در مسائل فرهنگی، بالاترین ظلم هاست

خداوند می فرماید:

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا؛ چه کسی است ستمکارتر از آنکه به خدا دروغ می بندد. (انعام: ۲۱)

عبارت بالا که بیش از ۱۰ بار در قرآن کریم تکرار شده و نشان از تأکید است، دروغ بستن به خداوند را «بزرگ ترین ظلم» شمرده است.

مفسران با توجه به آنکه قرآن شرک را «ظلم بزرگ» معرفی نموده (۱) و نیز با توجه به قرائن دیگر، مصداق دروغ بستن به خداوند را «قرار دادن شریک برای وی»، تلقی نموده (۲) و از آیه مورد بحث چنان فهمیده‌اند که بالاترین ظلم آن است که کسی مشرک شده و اصل توحید را انکار کند.

بر این اساس، روشن است که ایجاد هرگونه انحراف فرهنگی که موجب گسترش شرک و دوری از اصل توحید و یگانه پرستی شود، افتراء و دروغ بر خدا و ظلمی بزرگ خواهد بود. نتیجه کار فرهنگی باید به یکتاپرستی و توحید بینجامد و انسان را به فلاح و رستگاری رهنمون سازد. بنابراین، کار فرهنگی اهمیت فراوان دارد و انحراف و سهل انگاری

۱- لقمان در شمار اندرزهای خود به فرزند می فرماید: «يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشُّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ». (لقمان: ۱۳)

۲- تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۱۸۴.

در آن می‌تواند به بزرگ‌ترین ظلم‌ها منجر شود.

۴. انجام فعالیت‌های فرهنگی پیامبر صلی الله علیه و آله منت الهی بر مؤمنان

۴. انجام فعالیت‌های فرهنگی پیامبر صلی الله علیه و آله منت الهی بر مؤمنان

خداوند می‌فرماید:

لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ ... ؛ به یقین، خدا بر مؤمنان منت نهاد [که] پیامبری از خودشان در میان آنان برانگیخت، تا آیات خود را بر ایشان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد... (آل عمران: ۱۶۴)

خداوند در این آیه به مؤمنان منت می‌گذارد و پیامبری از جنس خدایی برایشان مبعوث کرد تا آنها را پاک سازد و حکمت و کتاب را به آنها بیاموزد. منت بعضی اعطای هر نعمت سنگین و گران بهاست و این منت کاری پسندیده و زینده است اما آن منتی که ناپسند و زشت است عبارت است از اینکه کسی کار کوچک خود را با سخن، بزرگ کند و به رُخ افراد بکشد. (۱) بنابراین، چون هدایت مردم و نشان دادن راه هدایت نعمت بسیار بزرگی بود، خداوند به وسیله آن بر مؤمنان منت گذارد و این نشان از اهمیت کار فرهنگی به قصد هدایت مردم است.

از این رو، بازخوانی آیات خداوند بر گوش جان بندگان، تربیت الهی آنان، ترویج تعالیم کتاب آسمانی و حکمت‌های حیات بخش از سوی هر کس صورت گیرد، می‌تواند تداوم رسالت پیامبرانه باشد و منت خداوندی بر جوامع به حساب آید.

۱- تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۱۵۸؛ تفسیر نور، ج ۲، ص ۱۹۰.

ویژگی های کار فرهنگی از منظر آیات و روایات

اشاره

ویژگی های کار فرهنگی از منظر آیات و روایات

زیر فصل ها

۱. آغاز هر کار از جمله فرهنگی باید با نام خدا باشد

۲. نتیجه یک کار فرهنگی باید ایجاد حیات معنوی باشد

۳. محور کار فرهنگی دعوت به یکتاپرستی و مبارزه با طاغوت است

۴. در کار فرهنگی تزکیه مقدم بر تعلیم است

۵. توفیق به ثمر رسیدن کار فرهنگی از آن خداست

۶. در کار فرهنگی باید استقامت داشت

۷. عنصر زمان و مکان در کارهای فرهنگی اهمیت دارد

۸. مباحث فرهنگی باید آسان، روان، عوام فهم و خواص پسند باشد

۹. مؤلفه های گفتمان فرهنگی هدایت: استدلال، موعظه و در مواردی مناظره

۱۰. غرض از کار فرهنگی باید نجات مردم از تاریکی ها به سوی نور باشد

۱۱. در کار فرهنگی باید سطح مخاطب را در نظر گرفت

۱۲. کار فرهنگی را باید از خانواده و نزدیکان شروع کرد

۱۳. پذیرایی و میهمانی هموارکننده کار فرهنگی

۱۴. کار فرهنگی باید مداوم و بی وقفه و متنوع باشد

۱۵. کار فرهنگی باید تدریجی و از روی نظم و برنامه باشد
۱۶. توجه به مسائل مادی مردم زمینه ساز کار فرهنگی است
۱۷. تجلیل بزرگان: اقدامی فرهنگی
۱۸. به کارگیری همه ابزارها و فرصت ها در امور فرهنگی
۱۹. از غلو و افراط در کارهای فرهنگی باید پرهیز کرد
۲۰. استقلال فرهنگی باید حفظ شود
۲۱. در کارهای فرهنگی باید مشورت کرد
۲۲. اصلاحات فرهنگی باید با آزادی و انتخاب آگاهانه مردم باشد
۲۳. در کارهای فرهنگی باید به ادبیات مخاطبان آشنا بود
۲۴. خنده و گریه از ابزارهای مجاز کار فرهنگی است
۲۵. شکستن خرافات و رسوم جاهلی یکی از وظایف مسئولان فرهنگی است
۲۶. در مبارزات فرهنگی عفت زبان و ادب را باید رعایت کرد
۲۷. کارهای فرهنگی گاهی به از خود گذشتگی، ایثار و جان فشانی نیاز دارد

۱. آغاز هر کار از جمله فرهنگی باید با نام خدا باشد

۱. آغاز هر کار از جمله فرهنگی باید با نام خدا باشد

خداوند می‌فرماید:

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ؛ بخوان به نام پروردگارت که آفرید. (علق: ۱)

در این آیه، خداوند به پیامبرش دستور می‌دهد که با نام خداوند قرآن را آغاز کند. و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در هر کاری با نام و یاد خدا کارها را آغاز می‌کرد و این جزو سیره و منش آن حضرت بود. در روایتی امام حسن عسکری علیه السلام از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل کرده است که:

كُلُّ امْرِئٍ ذِي بَالٍ لَمْ يُدْكِرْ فِيهِ بِسْمِ اللَّهِ فَهُوَ ابْتَرٌ. (۱)

هر کار مهمی که در آن بسم الله گفته نشود ناقص و بی‌دنباله خواهد بود و به سرانجام نمی‌رسد.

بنابراین، کارهای فرهنگی را که از قداست خاصی برخوردار است باید با نام خدا شروع کرد و از خداوند درخواست کرد که آن را به سرانجام برساند. از آنجا که شروع هر کار با گذاردن سنگ بنای آن و تعیین جهت‌گیری آن توأم است مسلماً کاری که با نام خدا آغاز نشود جهت الهی نیز ندارد.

۲. نتیجه یک کار فرهنگی باید ایجاد حیات معنوی باشد

۲. نتیجه یک کار فرهنگی باید ایجاد حیات معنوی باشد

خداوند می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ...؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون خدا و پیامبر، شما را به چیزی فرا خواندند که به شما حیات می‌بخشد، آنان را اجابت کنید... (انفال: ۲۴)

بر اساس معارف اسلامی روح انسان، همانند جسم او، مرگ و حیاتی ویژه خود دارد و چه بسا جسمی زنده ولی گرفتار مرگ روحی است. انسان‌هایی که جز بر آوردن نیازهای جسمی خود، دغدغه دیگری ندارند، از این نمونه‌اند و در میان زندگانی که روحشان نیز زنده است کسانی هستند که هر روز زنده تر شده و یا برعکس به مرگ کامل روحی نزدیک می‌شوند.

پیام قرآن برای زنده دلان آن است که اگر می‌خواهند روحشان زنده تر و فعال تر شود، باید خود را در معرض دعوت‌هایی قرار دهد که از سوی خدا و رسول به آنها می‌رسد قرار داده و به آنها جواب مثبت گویند.

از آنجا که همه دعوت‌های آسمانی از سنخ راهنمایی‌های فرهنگی است باید گفت که از میان فعالیت‌های فرهنگی فقط آنهایی سازنده و سودمند است که حیات معنوی انسان‌ها را هدف قرار دهد. به عبارتی دیگر، قرآن کریم برای به سعادت رساندن انسان‌ها، فطرت سالم و عقل خدادادی آنان را به کار گمارده و پیامبران را برای آموزش و راهبری‌شان بدان افزوده است. همه این ابزارهای هدایت از مقوله «فرهنگ» است و فقط برنامه‌هایی برای سعادت انسان به کار می‌آید که همانند آموزه‌های پیامبران، فرهنگ بشریت را مخاطب قرار دهد.

یعنی اگر بخواهیم مختصات یک برنامه فرهنگی موفق را ترسیم کنیم، کافی است خط سیر تعالیم انبیا را در قرآن بازنویسی نماییم. خط سیر انبیا همان است که مردمان را به سوی آن خوانده‌اند یا از ارتکابش هشدار داده‌اند.

بر اساس آیه بالا، حقیقت و ماهیت کار فرهنگی ایجاد حیات معنوی و عقلانی در میان مردم است. کار فرهنگی نه تنها نباید انسان را به سراشیبی سقوط سوق دهد بلکه باید روحی تازه در او بدمد و شور و امید جاودانگی را برای او به ارمغان بیاورد.

۳. محور کار فرهنگی دعوت به یکتاپرستی و مبارزه با طاغوت است

۳. محور کار فرهنگی دعوت به یکتاپرستی و مبارزه با طاغوت است

خداوند می‌فرماید:

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ...؛ و در حقیقت، در میان هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم [تا بگوید:] «خدا را پرستید و از طاغوت [= فریبگر] پرهیزید...» . (نحل: ۳۶)

این آیه می‌فرماید اساس و محور کار فرهنگی، باید دعوت به یکتاپرستی و دوری از طاغوت و هر چیز اغوال‌گری باشد و هر آنچه غیر از این باشد انحراف است. بنابراین، محور قرار گرفتن چیزهای دیگر مثل سرگرمی، تفریح، هیجان‌های کاذب و خشونت، فاصله گرفتن از کار فرهنگی مطلوب است.

۴. در کار فرهنگی تزکیه مقدم بر تعلیم است

۴. در کار فرهنگی تزکیه مقدم بر تعلیم است

خداوند می‌فرماید:

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ؛ اوست آن کس که در میان درس ناخواندگان فرستاده ای از خودشان برانگیخت، تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد... (جمعه: ۲)

در این آیه خداوند تزکیه و تربیت را بر آموزش و تعلیم مقدم داشت و این امر نشان می‌دهد که تربیت و آموزش هر دو در کار فرهنگی لازم و بایسته است اما تربیت از اهمیت بیشتری برخوردار است و آموزش به عنوان ابزاری برای رسیدن به تربیت است. بنابراین، متولیان فرهنگی دقت داشته باشند که محور اصلی کار فرهنگی تربیت است و تزکیه اخلاقی بستری فراهم آورد تا انسان از آموزش سوءاستفاده نکند و از علم برای اهداف غیرانسانی و غیرتوحیدی بهره نگیرد.

۵. توفیق به ثمر رسیدن کار فرهنگی از آن خداست

۵. توفیق به ثمر رسیدن کار فرهنگی از آن خداست

خداوند می‌فرماید:

إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ...؛ در حقیقت، تو هر که را دوست داری نمی‌توانی راهنمایی کنی، لیکن خداست که هر که را بخواهد راهنمایی می‌کند... (قصص: ۵۶)

منظور از هدایت در این آیه راهنمایی کردن و نشان دادن راه نیست، بلکه رساندن به هدف مطلوب و قبول ایمان است (۱) و چنین هدایتی کار

رسول خدا و کس دیگری نیست، بلکه کار خداوند است و هیچ کس در آن با او شریک نیست. خداوند است که دل‌ها را آماده قبول و پذیرش حق و ایمانی می‌کند و آنها را از سقوط به گمراهی‌ها نجات می‌دهد. آیات فراوان دیگری نیز به همین معنا اشاره دارد. برای مثال خداوند در سوره بقره آیه ۲۷۲ می‌فرماید: «لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ؛ هدایت آنها بر عهده تو نیست، بلکه خدا هر که را بخواهد هدایت می‌کند.» همچنین در آیه دیگری می‌فرماید:

...لَمْؤُا أَنْفَقْتَ مِمَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِمَّا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ؛ اگر آنچه در روی زمین است همه را خرج می‌کردی نمی‌توانستی میان دل‌هایشان اُلفت برقرار کنی، ولی خدا بود که میان آنان اُلفت انداخت... (انفال: ۶۳)

بنابراین، وجود امکانات و نیروی انسانی در کارهای فرهنگی امری لازم است، اما کافی نیست و باید از خدا بخواهیم که کارهای فرهنگی را به نتیجه برساند و ایمان را در دل مردم ثابت کند و موجب شود تا سنت‌های قدیمی و منحرف از دل جامعه رخت بر بندد و آداب اسلامی در جامعه حاکم شود.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

بُعِثْتُ دَاعِيًا وَ مُبَلِّغًا وَ لَيْسَ إِلَيَّ مِنَ الْهُدَى شَيْءٌ. (۱)

من [فقط] برای دعوت و رساندن [پیام] برانگیخته شدم و در کار هدایت، هیچ اختیاری ندارم.

۶. در کار فرهنگی باید استقامت داشت

۶. در کار فرهنگی باید استقامت داشت

خداوند می‌فرماید:

فَأَسْبِغْكُمْ كَمَا أُمِرْتُمْ وَمَنْ تَابَ مَعَكُمْ...؛ پس، همان گونه که دستور یافته‌ای ایستادگی کن، و هر که با تو توبه کرده [نیز چنین کند]... (هود: ۱۱۲)

خداوند در این آیه پیامبر خود و همه کسانی را که از شرک توبه کردند و ایمان آوردند به استقامت در راه تبلیغ و ارشاد و مبارزه با دشمن و استقامت در انجام وظایف الهی دستور می‌دهد. استقامت نیز باید برای اطاعت از فرمان الهی باشد و آن گونه که او دستور داده انجام شود و اهداف دیگری در کار نباشد.

از ابن عباس نقل شده است که: هیچ آیه‌ای بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل نشده که سخت‌تر و پر مشقت‌تر از این آیه باشد. از همین رو، که وقتی اصحاب از آن حضرت پرسیدند چه زود پیری در شما اثر کرد، در جواب آنها فرمود: «شَیْبَتِي هُوَ وَ الْوَأَقَعَهُ؛ سوره هود و واقعه پیرم کرد». (۱)

بنابراین، کسانی که کار فرهنگی انجام می‌دهند باید در کار خود استقامت داشته باشند و از سختی‌ها و مشکلاتی که در روند کار پیش می‌آیند نهراسند. (۲)

همچنین در آیه دیگر خداوند به پیامبرش می‌فرماید:

فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ...؛ پس همان گونه که پیامبران نستوه، صبر کردند، صبر کن... (احقاف: ۳۵)

یعنی تنها تو نیستی که با مخالفت و عداوت مردم مواجه هستی، بلکه

۱- ترجمه مجمع البیان، ج ۱۲، ص ۱۳۷.

۲- تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۲۵۷.

پیامبران بزرگ قبل از تو نیز دچار لجاجت‌بازی و نافرمانی‌های مردم شده بودند و صبر کردند، حضرت نوح علیه السلام ۹۵۰ سال دعوت کرد ولی عده کمی به او ایمان آوردند. حضرت ابراهیم علیه السلام را در آتش انداختند، حضرت موسی را تهدید به مرگ کردند، حضرت عیسی را بعد از آزار فراوان، قصد کشتن او را داشتند که خداوند او را نجات داد. بنابراین، مشکلات در کار تبلیغ و ترویج فرهنگ دینی همیشه بوده و باید بر آن استقامت و صبر داشت. استقامت در کارها، پیروزی را نزدیک می‌کند و موجب گشایش می‌شود.

در حدیثی امام علی علیه السلام می‌فرماید:

عَلَيْكَ بِمَنْهَجِ الْإِسْتِقَامَةِ فَإِنَّهُ يُكْسِبُكَ الْكِرَامَةَ وَ بَكْفِيكَ الْمَلَامَةَ. (۱)

بر تود باد پایداری در راه راست، زیرا که این کار به تو کرامت می‌بخشد و سرزنش را از تو باز می‌دارد.

۷. عنصر زمان و مکان در کارهای فرهنگی اهمیت دارد

۷. عنصر زمان و مکان در کارهای فرهنگی اهمیت دارد

خداوند می‌فرماید:

قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمَ الزَّيْنَةِ وَأَنْ يُخَشِرَ النَّاسُ ضُحًى؛ [موسی] گفت: موعد شما روز جشن باشد که مردم پیش از ظهر گرد می‌آیند. (طه: ۵۹)

بعد از آنکه فرعون معجزات حضرت موسی را دید و در او تأثیری نگذاشت، تصمیم گرفت با کمک ساحران به مبارزه با موسی علیه السلام برخیزد از این رو به حضرت موسی علیه السلام گفت: روزی را برای این مبارزه تعیین

کند و حضرت موسی علیه السلام گفت: میعاد ما و شما روز زینت (روز عید)، قبل از ظهر باشد. انتخاب این زمان به این دلیل بود که مردم در این روز کسب و کار را تعطیل و در مراسم شرکت می کردند. همچنین در آن هنگام از روز، هوا روشن بوده و همه چیز قابل مشاهده است.

بنابراین، انتخاب زمان و مکان برای کار فرهنگی اهمیت فراوان دارد و غفلت از این امر، می تواند اثرهای معکوس داشته باشد. گفتن حرف حق در زمان نامناسب یا مکان غیر مرتبط، نتیجه دلخواه را نخواهد داشت. رعایت این امر، نیاز به آگاهی و بصیرت دارد. خداوند وقتی می خواهد قرآن را نازل کند، می گوید: «أَنَا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلِهِ الْقَدْرِ؛ ما [قرآن را] در شب قدر نازل کردیم.» و شب قدر وقتی است که از هزار ماه بهتر است. چرا خداوند قرآن را در شب دیگری نازل نکرد؟ معلوم می شود زمان نزول قرآن شب خاصی است تا مردم بیشتر به آن توجه کنند.

توجه به زمان و مکان در هر کاری مخصوصاً فرهنگی، اهمیت ویژه ای دارد. کسانی در کارها موفقند که بدانند در هر زمانی چه کاری را باید انجام دهند و این فرع آن است که شخص به موقعیت زمانی و مکانی خود آگاه باشد. امام صادق علیه السلام می فرماید: «الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَابِسُ؛ کسی که زمان خود را بشناسد در آماج اشتباهات قرار نمی گیرد» (۱).

۸. مباحث فرهنگی باید آسان، روان، عوام فهم و خواص پسند باشد

۸. مباحث فرهنگی باید آسان، روان، عوام فهم و خواص پسند باشد

قرآن می فرماید:

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ...؛ و قطعاً قرآن را برای پندآموزی

آسان کرده ایم... (قمر: ۱۷، ۳۲ و ۴۰)

این آیه ۴ بار در سوره قمر تکرار شده است و بر اینکه قرآن کتاب آسانی است دلالت دارد و هیچ گونه پیچیدگی ندارد، اندرزهایش روشن، دستوراتش روشن، تعبیراتش جذاب و شیرین و عباراتش خسته کننده و ملال آور نیست. بنابراین، فهمش برای مردم عادی آسان و برای خواص نیز دل چسب است.

همچنین خداوند در آیه دیگری می فرماید: «هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ؛ این [قرآن] برای مردم بیانی است». (آل عمران: ۱۳۸) یعنی قرآن برای عموم مردم در هر زمان و مکانی روشنگر است و همه آن را می فهمند. (۱)

بنابراین، با توجه به اینکه قرآن کتابی فرهنگی است، پس هر کار فرهنگی باید از ویژگی بالا برخوردار باشد تا مردم آن را بپذیرند. سادگی در عین استواری، می تواند مخاطبان فراوانی را جذب کند و روش خوبی برای تبلیغات خواهد بود.

۹. مؤلفه های گفتمان فرهنگی هدایت: استدلال، موعظه و در مواردی مناظره

۹. مؤلفه های گفتمان فرهنگی هدایت: استدلال، موعظه و در مواردی مناظره

خداوند می فرماید:

ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ ... ؛ با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه ای] که نیکوتر است مجادله نمای. (نحل: ۱۲۵)

این آیه به پیامبر صلی الله علیه و آله می گوید با این سه روش مردم را به سوی دین خداوند دعوت کند؛ چون انسان‌ها از جهت روحی، فکری و شخصیتی تفاوت‌های زیادی با هم دارند، نمی توان با یک روش دعوت کرد؛ برخی مطیع برهان و استدلالند و برخی کشش استدلال را ندارند و با موعظه حسنه هدایت می‌شوند. با برخی نیز باید جدال احسن کرد. به عبارتی دیگر، خواص را باید با حکمت و استدلال، عوام را با موعظه نیکو و مخالفان را با جدال نیکوتر ارشاد کرد. (۱)

مراد از حکمت، استدلالی است که حق را نتیجه دهد که هیچ شک و ابهامی در آن نماند و موعظه عبارت است از: بیانی که نفس شنونده را نرم و قلبش را به رقت درآورد و جدال عبارت است از: دلیلی که فقط برای منصرف نمودن دشمنان و مخالفان از آنچه که بر سر آن نزاع می‌کنند به کار می‌رود. (۲)

بنابراین، در حرکت فرهنگی، به صورت شفاهی یا مکتوب، باید هر سه شیوه را با توجه به اختلاف مخاطبان به کار برد. استفاده نابه جای هر یک از اینها به جای دیگری نتیجه دلخواه را نخواهد داشت.

۱۰. غرض از کار فرهنگی باید نجات مردم از تاریکی‌ها به سوی نور باشد

۱۰. غرض از کار فرهنگی باید نجات مردم از تاریکی‌ها به سوی نور باشد

خداوند می‌فرماید:

... كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ...؛ کتابی است که آن را به سوی تو فرود آوردیم تا مردم را به اذن

۱- تفسیر نور، ج ۶، ص ۴۷۴.

۲- ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۲، ص ۵۳۴.

پروردگارشان از تاریکی ها به سوی روشنایی بیرون آوری... (ابراهیم: ۱)

خداوند در این آیه اشاره می کند که قرآن که کتابی فرهنگی است، نازل شده است تا مردم را از ظلمت جهل، خرافات و گمراهی، به سوی نور، روشنایی و فلاح هدایت کند و این هدف و غایت اعزام انبیا و ادیان الهی است. امیر بیان علی علیه السلام نیز در مورد رسالت قرآن می فرماید:

اعْلَمُوا أَنَّ هَذَا الْقُرْآنَ هُوَ النَّاصِحُ الَّذِي لَا يُغْشَى وَالْهَادِي الَّذِي لَا يُضِلُّ وَالْمُحَدِّثُ الَّذِي لَا يَكْذِبُ.

بدانید که این قرآن همان مشاوری است که خیانت نمی کند و راهنمایی است که گمراه نمی گرداند و سخن گویی است که دروغ نمی گوید. (۱)

بنابراین، وقتی که شأن قرآن [که کتابی فرهنگی است] این گونه باشد، پس همه کارهای فرهنگی باید با این هدف و انگیزه انجام شود و هر هدف دیگری غیر از رسیدن به روشنایی، هدف مطلوب نخواهد بود.

۱۱. در کار فرهنگی باید سطح مخاطب را در نظر گرفت

۱۱. در کار فرهنگی باید سطح مخاطب را در نظر گرفت

خداوند می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبَدَلْ لَكُمْ تَسْؤُكُمْ...؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، از چیزهایی پرسید که اگر برای شما آشکار گردد شما را اندوهناک می کند... (مائده: ۱۰۱)

اگرچه سؤال کردن کلید فهم حقایق است و در روایات نیز به

مسلمانان دستور اکید داده شده است که هر چه را نمی‌دانند بپرسند، ولی از آنجا که هر قانونی استثناء دارد، اساس تعلیم و تربیت نیز استثنایی دارد و اینکه گاهی پنهان بودن پاره‌ای از مسائل برای حفظ نظام اجتماع و تأمین مصالح افراد و خانواده‌ها بهتر است. در این گونه موارد اطلاع رسانی و یا جست‌وجو کردن از واقعیت نه تنها فضیلتی ندارد، بلکه مذموم و ناپسند نیز است. (۱)

گاهی اوقات نیز افراد به جهت شرایط روحی و روانی و ظرفیت پذیرش حقایق، آمادگی کسب برخی حقایق و واقعیت‌ها را ندارند و ممکن است اثر معکوس در آنها داشته باشد. بنابراین باید مطالب فرهنگی، درجه بندی و سطح بندی شود و به هر مخاطبی با توجه به شرایطی که دارد مطالب بیان شود. بر همین اساس، در آیه فوق به مؤمنان دستور داده است از اموری سؤال نکنند که اگر بر ایشان روشن شود سبب اندوهناکی آنها می‌شود و فقط منتظر کلام پیامبر صلی الله علیه و آله و وحی الهی باشند تا آنچه که به مصلحت آنهاست، بیان شود.

همانند بیشتر پزشکان که بیماری‌های سخت را از بیماران پنهان می‌کنند و تنها به اطرافیان آنها می‌گویند؛ زیرا تجربه نشان داده است اطلاع از بیماری، گاهی سبب وحشت بیمار و وخیم‌تر شدن بیماری او می‌شود.

در شأن نزول این آیه آمده است که روزی پیامبر صلی الله علیه و آله برای مردم خطبه خواند و فرمود: «ایها الناس، خداوند حج را بر شما واجب کرده. یکی از صحابه سؤال کرد یا رسول الله، آیا همه ساله بر ما واجب است؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: اگر بگویم همه ساله واجب شده است و شما انجام ندهید، گمراه خواهید شد. پس چیزی که از من صادر نشده شما به زبان نیاورید». (۱)

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز در مورد توجه به اختلاف فهم و درجات ایمانی مردم در بیان مسائل می‌فرماید:

إِنَّا مَعَاشِرُ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ. (۲)

ما گروه پیامبران ماوریم که با مردم به اندازه عقل و خرد آنها سخن بگوئیم.

بنابراین، در همه مسائل فرهنگی باید به ظرفیت مخاطبان توجه کرد و مخاطب شناسی را جزو کارهای ضروری و مقدماتی قرار داد. نمی‌توان در جایی کاری انجام داد بدون اینکه از مخاطبان اطلاعات کافی وجود داشته باشد. این کار همانند این است که پزشک بدون اطلاع از وضع بیمار خود، برای او دارویی را تجویز کند.

در روایتی امام زین العابدین، درباره اختلاف ظرفیتی اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

وَ اللَّهُ، لَوْ عَلِمَ أَبُو ذَرٍّ مَا فِي قَلْبِ سَلْمَانَ لَقَتَلَهُ وَ لَقَدْ أَخَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله بَيْنَهُمَا.

به خدا سوگند، اگر ابوذر می‌دانست آنچه را که در قلب سلمان است هر آینه او را می‌کشت. در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله بین آن دو عقد برادری بست.

بنابراین، سلمان و ابوذر از اصحاب پیامبر بودند و پیامبر صلی الله علیه و آله آن دو را

۱- ترجمه المیزان، ج ۶، ص ۲۲۵.

۲- کافی، ج ۱، ص ۵۱.

برادر ایمانی اعلام کرد اما ظرفیت و تحمل آنها برای درک حقایق متفاوت بود. بنابراین، پیامبر به سلمان چیزی را آموختند که ابوذر قدرت درک و تحمل آن را نداشت.

۱۲. کار فرهنگی را باید از خانواده و نزدیکان شروع کرد

۱۲. کار فرهنگی را باید از خانواده و نزدیکان شروع کرد

خداوند می‌فرماید:

وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ؛ و خویشان نزدیکت را هشدار ده. (شعرا: ۲۱۴)

بر اساس آنچه که در کتب تاریخ آمده است، با نزول آیه بالا، پیامبر مأمور شد دعوتش را آشکار کند؛ زیرا تا قبل از آن، دعوت مخفیانه بود و عده کمی، اسلام را پذیرفته بودند. بر اساس آیه فوق باید دعوت را از خویشاوندان خودش شروع کند.

همچنین در سوره تحریم آیه ۶، خداوند می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ....؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، خودتان و کسانتان را از آتشی که سوخت آن، مردم و سنگ هاست حفظ کنید.... (تحریم: ۶)

همچنین در روایات معصومان علیهم السلام بر ارشاد و هدایت خانواده نیز تأکید شده است. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: عَلِّمُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ الْخَيْرَ وَادَّبُوهُمْ؛ خود و خانواده خویش را نیکی بیاموزید و آنها را ادب کنید. (۱)

بنابراین، از آیات و روایات بالا به دست می‌آید که برای داشتن جامعه‌ای با فرهنگ و مؤدب به آداب و فرهنگ دینی، باید از خانواده و خویشاوندان آغاز کرد؛ زیرا اجتماع از واحدهای کوچک تری به نام خانواده شروع می‌شود و وقتی خانواده‌ها اصلاح شدند و کار فرهنگی روی آنها انجام گرفت، خود به خود اجتماع نیز تربیت می‌شود.

از سوی دیگر، شروع یک حرکت فرهنگی از خانواده و آشنایان راحت‌تر انجام می‌پذیرد، زیرا هم سوابق پاکی را بهتر می‌شناسند و هم محبت خانوادگی که بین افراد وجود دارد سبب می‌شود که به کلام او بهتر توجه کنند و از کینه‌ها و دشمنی به دور باشند.

بر این اساس، همه کسانی که مایلند کار فرهنگی انجام دهد باید اول از خود و سپس خانواده و آنگاه خویشان شروع کنند و در نهایت در جامعه این کار را ادامه دهند.

۱۳. پذیرایی و میهمانی هموارکننده کار فرهنگی

۱۳. پذیرایی و میهمانی هموارکننده کار فرهنگی

بعد از آنکه آیه «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و او را به دعوت علنی تشویق کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله ابتدا از قوم و عشیره خود شروع کرد. ایشان بنا بر آنچه که در کتب معتبر آمده برای این کار، خویشان خود را به صرف غذا دعوت کرد و برای این کار، طعامی را تهیه دید. پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از اطعام آنها، درخواست خود را بیان کرد و آنها را به پذیرش اسلام دعوت کرد. این عمل پیامبر صلی الله علیه و آله نشان می‌دهد که گاهی لازم است برای انجام کار فرهنگی، کارهایی زمینه‌ای انجام داد از جمله می‌توان به پذیرایی و دعوت به میهمانی اشاره کرد. این کار از جهت روان‌شناسی بسیار سنجیده است؛ زیرا افرادی که دعوت به میهمانی می

شوند، دل‌هایشان نرم می‌شود و می‌کوشند حرمت صاحب‌خانه را حفظ کنند. از این رو، سخن صاحب‌خانه را بهتر قبول می‌کنند و با او مخالفت جدی نمی‌کنند. بنابراین، متولیان فرهنگی باید از این ابزار به خوبی استفاده کنند و کلام و منطق خود را در فضایی بگویند که مخاطب را برنینگیزد.

۱۴. کار فرهنگی باید مداوم و بی وقفه و متنوع باشد

۱۴. کار فرهنگی باید مداوم و بی وقفه و متنوع باشد

خداوند می‌فرماید:

وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ؛ به راستی، این گفتار [قرآن] را برای آنان پی در پی و به هم پیوسته نازل ساختیم، امید که آنان پند پذیرند. (قصص: ۵۱)

خداوند در این آیه به این نکته اشاره دارد که مردم برای اینکه پند بگیرند و از شرک دست بردارند، قرآن را پیوسته و بی‌وقفه در شکل‌های متنوع و کیفیت‌های گوناگون، گاهی با وعده پاداش، گاهی وعید دوزخ، گاه نصیحت و اندرز، گاه تهدید و انداز، گاه استدلال‌ات عقلی و گاه با تاریخ عبرت‌انگیز و پربار گذشتگان بر مردم نازل کردیم تا آنان را به خود جذب کنند. (۱)

از سوی دیگر عقاید، آداب و رسوم و خلیات و به طور کلی فرهنگ، یک شبه نه به وجود می‌آید و نه تغییر می‌کند، بلکه در طول زمان شکل گرفته است و اگر بخواهیم آن را تغییر دهیم و اصلاح کنیم باید در فرآیندی منسجم انجام پذیرد. بنابراین، باید برنامه‌های فرهنگی

هم دوام و هم تنوع داشته باشد و در یک قالب و ریخت ارائه نشود. چنان که انبیا سالیان درازی به امر ارشاد و راهنمایی می‌پرداختند و برای ادامه کار، جانشینانی برای خود تعیین می‌کردند تا حرکت مداوم داشته باشد. حضرت نوح ۹۵۰ سال به امر تبلیغ و تربیت مردم همت گماشت. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ۲۳ سال مردم را راهنمایی کرد و بعد از او جانشینانش در طول ۲۵۰ سال این کار را ادامه دادند تا اینکه فرهنگ اسلام در جهان به بار نشست و دین اسلام در دنیا گسترش یافت.

بنابراین، برای تغییر یک فرهنگ یا تثبیت آن باید برنامه‌ای بلندمدت داشت و هیچ‌گاه از آن غفلت نکرد. از این رو، اختصاص یک سال به نام فرهنگ به معنی تعیین مدت برای آن نیست، زیرا با روح مسائل فرهنگی در تعارض است، بلکه به معنی آغاز یک کار بزرگ و جلب توجه همه جانبه به آن است.

۱۵. کار فرهنگی باید تدریجی و از روی نظم و برنامه باشد

۱۵. کار فرهنگی باید تدریجی و از روی نظم و برنامه باشد

خداوند می‌فرماید:

وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا؛ و قرآنی [با عظمت را] بخش بخش [بر تو] نازل کردیم تا آن را به آرامی به مردم بخوانی، و آن را به تدریج نازل کردیم. (اسرا: ۱۰۶)

خداوند در این آیه می‌فرماید: قرآن را بخش بخش و به تدریج در طول ۲۳ نازل کردیم تا اینکه آن را به آرامی بر مردم بخوانی و نتیجه اصلی آن که عمل به قرآن است، تحقق یابد؛ زیرا تغییر فرهنگ و اصلاح جامعه یک شبه امکان پذیر نیست و باید به تدریج احکام صادر شود و

کم مردم را با حقایق آشنا کرد.

این نزول تدریجی، مستلزم امر دیگری نیز است و آن وجود نظم و سازمان دهی در خود قرآن است؛ زیرا اگر نظم در قرآن نباشد، ممکن است کلام بعد، کلام قبل را نقض کند یا اینکه به علت طول کشیدن نزول، صحبت‌ها با همدیگر منافات داشته باشند. بنابراین، لازمه امر تدریجی، نظم و سازمان دهی است چنان که خداوند در آیه دیگری در مورد قرآن می‌فرماید: «... وَ رَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا؛ و آن را به آرامی بر تو خواندیم». (فرقان: ۳۲)

در کتاب تفسیر نمونه ترتیل را این طور معنی کرده است: «پی در پی آوردن سخنان یا آیات روی نظم و حساب.» و در ادامه می‌گوید:

«بنابراین، جمله و رتلناه ترتیلاً» اشاره به این واقعیت است که آیات قرآن تدریجی و در مدت ۲۳ نازل شده است اما این نزول تدریجی، روی نظم و حساب و برنامه‌ای بوده به گونه‌ای که در افکار، رسوخ کند و دل‌ها را مجذوب کند».^(۱)

بنابراین، کارهای فرهنگی نیز باید روی نظم و برنامه‌ریزی انجام شود و از هرگونه تصمیم و برنامه مقطعی پرهیز کرد. باید برنامه بلندمدت از سوی مراجعی همچون شورای عالی انقلاب فرهنگی تدوین شود. چطور برای اقتصاد برنامه‌های بلندمدت ریخته می‌شود اما فرهنگ که اهمیت دو چندان دارد، برنامه‌ای نداشته و هر کس که از راه رسد، اجازه یابد طرحی را اجرا نماید؟! تا چه زمانی باید منفعلانه نسبت به تهاجم فرهنگی بیگانگان عمل کنیم و هیچ راهبرد و سیاست بلندمدتی نداشته باشیم؟!

۱۶. توجه به مسائل مادی مردم زمینه ساز کار فرهنگی است

۱۶. توجه به مسائل مادی مردم زمینه ساز کار فرهنگی است

خداوند می فرماید:

فَلْيَعِظُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ، الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ؛ پس باید خداوند این خانه را بپرستند، همان [خدایی] که در گرسنگی غذایشان داد، و از بیم [دشمن] آسوده خاطرشان کرد. (قریش: ۳ و ۴)

قبیله قریش از راه تجارت و دادوستد به شام و یمن و همچنین از طریق مسافرت دیگر قبایل به مکه، برای زیارت کعبه امرار معاش می کردند و زندگی را می گذراندند. حمله ابرهه با سپاهیان فیل سوارش، این معیشت و آرامش و امنیت را در معرض فروپاشی قرار داد، ولی خداوند با کمک پرندگان، آنها را نابود کرد و تجارت و امنیت را به قریش و مردم مکه بازگرداند. از این رو، خداوند در این آیه دستور می دهد که باید پروردگار خانه خدا (کعبه) را بپرستند به جهت آنکه او بود که آنها را از گرسنگی نجات داد و غذایشان داد و آنان را از شر دشمنان خلاص کرد و امنیتشان داد. (۱)

از این آیه استفاده می شود که برای کار فرهنگی، تأمین نیازهای مادی نیز لازم است. نمی شود بدون در نظر گرفتن وضعیت و مشکلات مادی، کار فرهنگی انجام داد و توقع داشت که مردم دیدگاه های ما را بپذیرند.

همچنین خداوند در آیه دیگری می فرماید: «وَإِذْ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ...؛ و هنگامی که موسی برای قوم خود در پی آب برآمد، گفتیم: «با عصایت بر آن تخته سنگ بزن.»» (بقره: ۶۰)

۱- ترجمه المیزان، ج ۲۰، ص ۶۳۱؛ تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۵۳.

این آیه به سرگردانی قوم بنی اسرائیل اشاره داد که در صحرای گرم تیه که تشنه بودند و در آنجا حضرت موسی علیه السلام از خداوند برای آنها طلب آب نمود و خداوند دستور داد به او که با عصایت به سنگ بزن و او نیز به سنگ زد و در نتیجه دوازده چشمه به عدد دوازده سبط بنی اسرائیل بیرون آمد یعنی برای هر سبطی یک چشمه.

از این آیه نیز به دست می آید که انبیا در فکر تأمین نیازهای مادی مردم نیز بودند. اگرچه هدف اصلی آنها هدایت و ارشاد و نجات آنها از شرک و بت پرستی بوده، توجه به مسائل مادی زمینه ساز اهداف اصلی آنها بوده است.

در این مورد روایاتی داریم که اگر فشارهای اقتصادی فزونی یابد ممکن است در برخی افراد ضعیف الایمان به کفر و نفی ایمان بینجامد. در روایتی امام صادق علیه السلام به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید:

كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا. (۱)

نزدیک است که فقر به کفر منجر شود.

البته این مسئله (وابستگی مسائل فرهنگی به حل مسائل مادی) در همه جا صادق نیست. افرادی هستند که برای ایمان و دین خود از جان می گذرند و در بدترین شرایط اقتصادی و مالی حاضر نیستند سرمایه دینی خود را از دست بدهند ولی همه مردم یک جور نیستند و باید کل جامعه را در نظر گرفت. بنابراین، مسئولان فرهنگی نمی توانند بگویند ما مسئول مسائل فرهنگ مردم هستیم و کاری با زندگی مالی آنها و مشکلات معیشتی و دنیوی آنها نداریم. اینکه مجریان و مسئولان رفاه و

معیشت مردم نیز نمی‌توانند به مطالبات و توقعات دینی شهروندان بی‌اعتنایی باشند و هنجارشکنان را که از مزایای جامعه اسلامی بهره می‌برند، ولی نسبت به وظایف فرهنگی و انضباط دینی مسئولیت پذیر نیستند به حال خود رها نمایند. مجریان موظفند مخدومان خود را مجاب سازند که رسالت حاکمان مسلمان را تأمین نمایند؛ زیرا همه اینها زمینه و مقدمه آن است که انسان‌ها به عدالت قیام نمایند و از بندگی خود و اهریمنان رهایی یابند و از چاه طبیعت و مادیات رسته و در بیکرانگی معنویات و پاکی‌ها به سوی خداوند پرواز نمایند و همه این مقولات فرهنگی است. بنابراین، مردم و دولت همه باید اهتمام و تعهد فرهنگی خود را مبذول نمایند. به هر حال باید دانست که جسم و جان به هم تنیده و مرتبط هستند.

۱۷. تجلیل بزرگان: اقدامی فرهنگی

۱۷. تجلیل بزرگان: اقدامی فرهنگی

خداوند می‌فرماید:

وَأذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ؛ و در این کتاب از ابراهیم یاد کن. (مریم: ۴۱)

یا

وَأذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ؛ و در این کتاب از مریم یاد کن. (مریم: ۱۶)

خداوند در آیات متعدد به مناسبت از بزرگان دین و توحید یاد می‌کند. این یادآوری زنده کردن ارزش‌های معنوی و اخلاقی و همچنین معرفی الگو و سرمشق برای کسانی است که در جست‌وجوی اسوه می‌باشند. در حدیثی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره تجلیل از بزرگان می‌فرماید:

إِنَّ مِنْ تَعْظِيمِ جَلَالِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ كَرَامَةَ ذِي الشَّيْبَةِ وَحَامِلِ الْقُرْآنِ الْإِمَامِ الْعَادِلِ؛ احترام نهادن به ریش سفید و حافظ قرآن و پیشوای دادگر گونه ای بزرگداشت جلال و شکوه خداوند عزوجل است. (۱)

در این حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله ارج نهادن به این گروه را ارج نهادن به خداوند می داند. بنابراین، تکریم و نکوداشت بزرگان علم و فرهنگ و دین در واقع تجلیل از آرمان هایی است که این افراد برای آن تلاش کرده اند.

۱۸. به کارگیری همه ابزارها و فرصت ها در امور فرهنگی

۱۸. به کارگیری همه ابزارها و فرصت ها در امور فرهنگی

خداوند می فرماید:

إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ؛ من قصدی جز اصلاح [جامعه] تا آنجا که بتوانم ندارم. (هود: ۸۸)

خداوند در این آیه به نقل از حضرت شعیب علیه السلام که قوم خود را خطاب قرار داده بود، می فرماید: «من قصدی جز اصلاح جامعه و جلوگیری از انحرافات ندارم تا آنجا که توانایی داشته باشم». این به این معناست که تمام فکر و ذکر انبیا در همه حالات برای اصلاح جامعه بود و از تمام امکانات و ابزارها برای این کار بهره می بردند. آیه دیگری به نقل از حضرت نوح در تأیید مطلب فوق آمده است:

قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا؛ [نوح] گفت: ای پروردگار من، من قوم خود را شب و روز دعوت کردم.

در این آیه نیز حضرت نوح علیه السلام به خداوند عرض می کند که من قوم خود را شب و روز دعوت کردم. در واقع این آیه می فرماید: برای ارشاد و هدایت نباید بر ابزارهای متعارف و فرصت های محدود متمرکز شد و همه امکانات را باید به کار گرفت.

بنابراین، متولیان فرهنگی نیز باید این شیوه را مد نظر داشته باشند و خود را تابع مقررات محدود اداری ندانند. در هر جا و هر مکان و با هر ابزاری که شرعاً مجاز باشد باید کار فرهنگی انجام داد و جامعه را اصلاح کرد. متولی فرهنگی اگر خود را کارمند به حساب آورد و فقط در ساعات کاری اداری احساس مسئولیت کند راه به جایی نخواهد برد. چنان که رهبر انقلاب در نام گذاری سال ۱۳۹۳ به نام سال اقتصاد و فرهنگ از دو مؤلفه دیگر نیز نام برده است که یکی عزم ملی و دیگری مدیریت جهادی است. مدیریت جهادی اشاره به راه کار فوق است؛ یعنی در کار فرهنگی و اقتصادی باید جهادی و خستگی ناپذیر عمل کرد و منتظر زمان و مکان و بودجه ایدئال نماند. همچنانکه یک جهادگر در صحنه مبارزه شب و روز در خدمت جهاد و مبارزه است و محدودیتی برایش وجود ندارد.

۱۹. از غلو و افراط در کارهای فرهنگی باید پرهیز کرد

۱۹. از غلو و افراط در کارهای فرهنگی باید پرهیز کرد

خداوند می فرماید:

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ؛ ای اهل کتاب، در دین خود غلو نکنید و درباره خدا جز [سخن] درست مگویید. (نساء: ۱۷۱)

در این آیه، خداوند اهل کتاب را از غلو در دین نهی می کند؛ زیرا

غلو به معنی نشان دادن چهره غیر واقعی از دین است و در واقع نسبت دادن چیزهایی به خداوند است که واقعیت ندارند. همان طور که تفریط و کم‌نمایی از دین جایز و سزاوار نیست، افراط در آن هم شایسته نخواهد بود. آنچه نجات بخش و حیات آفرین است چهره واقعی دین است نه آنچه که ساخته افکار بشر است. در امور فرهنگی نیز نباید اغراق و افراط داشت؛ یعنی در پروراندن یک سوژه فرهنگی نباید به شگردهای تبلیغاتی و تجارتي توسل جست و با بزرگ‌نمایی‌های بی‌منطق به دنبال جا انداختن آن بود؛ زیرا این شیوه‌ها اثر معکوس داشته و باعث انزجار مخاطب خواهد شد.

۲۰. استقلال فرهنگی باید حفظ شود

۲۰. استقلال فرهنگی باید حفظ شود

خداوند می‌فرماید:

وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا؛ و خداوند هرگز بر [زیان] مؤمنان، برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است. (نساء: ۱۴۱)

بر اساس آیه بالا، خداوند هیچ راه تسلطی را برای کافران به زیان مؤمنان قرار نداده است؛ نه از نظر نظامی نه سیاسی، نه اقتصادی، نه فرهنگی و نه هیچ راه دیگری. اگر در جامعه خلاف این اتفاق افتاده و مسلمانان در همه زمینه‌ها و جهات تحت سیطره بیگانگان و کفار قرار دارند به جهت این است که مسلمانان راه و رسم ایمان و وظایف و مسئولیت‌های خویش را به کلی فراموش کرده‌اند، نه خبری از اتحاد و اخوت اسلامی در میان است و نه به معنی واقعی کلمه جهاد انجام می‌دهند و نه علم و آگاهی‌ای دارند که اسلام آن را از لحظه تولد تا مرگ

بر همه لازم شمرده است. (۱)

علاوه بر این آیه روایات هم بر استقلال مسلمانان و زیر بار کفار نرفتن نیز تأکید کرده اند. چنانکه پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله می فرماید: «الْإِسْلَامُ يَغْلُو وَ لَا يُغْلَى عَلَيْهِ؛ اسلام برتری می گیرد و چیزی بر آن برتری نمی گیرد». (۲)

همچنین برای نشان دادن استقلال فرهنگی می توان به جریان تغییر قبله در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره کرد. در آن زمان یهودیان مسلمانان را که به سوی بیت المقدس نماز می خواندند تحقیر و تمسخر می کردند؛ که شما دین و فرهنگ مستقل ندارید و به سوی قبله ما عبادت می کنید. خداوند با بیان آیات ۱۴۴ سوره بقره به پیامبرش راه هرگونه سلطه یهودیان بر مسلمانان را بست.

بنابراین، اگر کشور ما مسلم هستیم و انقلاب اسلامی انجام داده ایم و می خواهیم احکام و ارزش های اسلامی در آن حاکم باشد، باید استقلال را در همه جهات به ویژه استقلال فرهنگی را رعایت کنیم؛ زیرا اگر فرهنگ کشوری در سیطره بیگانگان قرار گیرد، دیگر ابعاد اجتماعی نیز از هجوم آنها در امان نخواهند ماند. یکی از دلایلی که رهبر انقلاب، سال ۹۳ را به سال اقتصاد و فرهنگ نام گذاری کردند، رخنه هایی بوده است که از سوی بیگانگان عوامل داخلی آن، در فرهنگ ما صورت گرفته است و هر روز به نام اسلام و هنر و فرهنگ، نمادهای غربی را در کشور رواج می دهند و ذائقه مردم را به نفع بیگانگان تغییر می دهند. (نیاز به توضیح ندارد که) تبادل فرهنگی بین ملت ها منعی ندارد و بلکه امری اجتناب ناپذیر و حتی گاه پسندیده است، اما مجذوب و مقهور فرهنگ

۱- تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۱۷۶.

۲- نهج الفصاحه، ص ۳۶۷.

بیگانگان، و فراموشی فرهنگ خود چیزی جز تسلط فرهنگ بیگانگان نیست. (باید پذیرفت که حفظ این استقلال امروزه با در هم نوردیده شدن مرزها و وجود وسایل ارتباط جمعی سریعی چون ماهواره و اینترنت (فضای سایت) های مجازی کاری بس دشوار شده است، اما محال نیست. باید سعی و تلاش را دو چندان کرد و مدیریت دلسوز و جهادی را به کار گماشت تا از آسیب ها کاسته شود.

۲۱. در کارهای فرهنگی باید مشورت کرد

۲۱. در کارهای فرهنگی باید مشورت کرد

خداوند می فرماید:

وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ؛ و در کار[ها] با آنها مشورت کن. (آل عمران: ۱۵۹)

خداوند در این آیه به پیامبرش دستور می دهد که در کارها با مردم و اصحاب مشورت کن. البته مشورت تنها در چگونگی اجرای احکام بوده است نه قانون گذاری. زیرا پیامبر هیچ گاه در قانون گذاری با کسی مشورت نمی کرد و تابع وحی الهی بود.

پیامبر صلی الله علیه و آله خود سرآمد همه مردم از جهت عقل و اندیشه بود اما خداوند با این دستور خواسته است اهمیت مشورت و مشاوره را به مردم یادآوری کند؛ زیرا انسان با مشورت کردن، از فکر دیگران استفاده می کند و از استبداد و خودرأیی پرهیز می کند. مشورت موجب پرورش فکر و استعدادها (و پرورش شخصیت است و شخصیت نهادن به) مردم است. در روایات نیز بر این صفت نیکو تأکید شده است.

امام علی علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید:

مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ وَ مَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهِمْ؛

هر که مستبد به رأی شد به هلاکت رسید و هر که با مردم مشورت کرد خود را شریک عقل آنان نمود. (۱)

بنابراین، در همه کارها از جمله در مسائل فرهنگی که پیچیدگی‌ها و حساسیت‌های خاص خود را دارد باید با متخصصان و آگاهان به امور مشورت کرد.

هر طرح و برنامه‌ای که بخواهد در سطح جامعه اجرا شود، آن قدر نقد و بررسی و مذاقه از سوی صاحب نظران بشود که در مرحله اجرا کمترین اثر منفی را هم نداشته باشد. بنابراین، باید علاوه بر مشورت، در انتخاب افراد مورد مشاوره نیز دقت و وسواس داشت و جنبه‌های مختلف آن را بررسی کرد تا کمترین بار منفی داشته باشد.

۲۲. اصلاحات فرهنگی باید با آزادی و انتخاب آگاهانه مردم باشد

۲۲. اصلاحات فرهنگی باید با آزادی و انتخاب آگاهانه مردم باشد

خداوند می‌فرماید:

فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُسَيِّرٍ؛ پس تذکر ده که تو تنها تذکر دهنده‌ای. بر آنان تسلطی نداری. (غاشیه: ۲۱ و ۲۲)

خداوند در این آیه می‌فرماید: آفرینش آسمان و زمین و کوه‌ها نشان می‌دهد که این عالم بی‌حساب نیست و آفرینش انسان نیز هدفی داشته است، اکنون که چنین است آنها را با یادآوری‌های خویش به اهداف خلقت آشنا ساز و راه قرب خدا را به آنها نشان ده، و در مسیر تکامل، رهبر و راهنمایان باش. البته راه کمال در صورتی پیموده می‌شود که با میل اراده و اختیار همراه باشد و گرنه تکامل اجباری، سخنی بی‌مفهوم

است. تو هرگز نمی توانی آنها را مجبور سازی و اگر هم می توانستی فایده ای نداشت. (۱)

همچنین در آیه دیگری خداوند می فرماید:

لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ؛ در دین هیچ اجباری نیست و راه از بیراهه به خوبی آشکار شده است. (بقره: ۲۵۶)

در این آیه نیز خدا اجبار و اکراه را از دین نفی کرده است؛ زیرا دین عبارت است از سلسله معارف علمی که اساس آن ایمان و اعتقاد است که از امور قلبی است و امور قلبی نیز اجباربردار نیست.

به علاوه اینکه اجبار و اکراه، وقتی مورد نیاز است که شخص مافوق نتواند فلسفه کاری را که می خواهد انجام دهد به زیر دست خود بفهماند، از این رو، ناگزیر متوسل به اکراه می شود، اما امور مهمی که خوبی و بدی آن واضح است و حتی آثار سوء و خیری که به دنبال دارند معلوم است در چنین جایی نیازی به اکراه نیست، بلکه انسان یکی از دو طرف خیر یا شر را انتخاب کرده و عاقبت آن را هم می پذیرد و دین از این قبیل امور است؛ چون حقایق آن، روشن و راه آن با بیانات الهیه واضح است. بنابراین، دلیل ندارد که کسی را بر دین اکراه کنند. (۲)

امور فرهنگی و اصلاحات آن مانند دین، از امور قلبی و جوانحی است. بنابراین، قابل اجبار و اکراه نیست و مردم باید آن را آزادانه قبول کنند. اگر مسائل فرهنگی به خوبی تشریح شود و مزایای آن برای مردم گفته شود، مردم آن را انتخاب می کنند و از آن استقبال و دفاع نیز

۱- تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۴۳۳.

۲- ترجمه المیزان، ج ۲، ص ۵۲۴.

می کنند. این موضوع حتی در ردّ فرهنگ های بیگانه و وارداتی نیز صادق است. اگر معایب آنها و عوارضی را که خود، خانواده و جوانانمان را هدف گرفته اند، بیان کنیم و نقشه های شومی که استعمار و صهیونیسم برای تهی کردنی مردم از فرهنگ ملی _ اسلامی کشیده اند، بیان شود و مردم آن را لمس کنند، خود به سوی طرد این فرهنگ وارداتی می روند و دست به انتخاب احسن می زنند. بنابراین، در بُعد فرهنگی نباید از زور و اجبار استفاده کرد، مگر در مواردی که کسانی از روی عمد می کوشند دیگران را منحرف کنند. و با وجود علم به معایب کار، برای رسیدن به مطامع دنیوی، اقدام به گمراه کردن مردم می کنند که در اینجا دخالت نیروهای قهریه بایسته است.

۲۳. در کارهای فرهنگی باید به ادبیات مخاطبان آشنا بود

۲۳. در کارهای فرهنگی باید به ادبیات مخاطبان آشنا بود

خداوند می فرماید:

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ؛ و ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم، تا [حقایق را] برای آنان بیان کند. (ابراهیم: ۴)

خداوند در این آیه می فرماید ما هیچ پیامبری را به سوی ملتی نفرستادیم مگر اینکه به زبان قومش آشنایی داشته و بتواند مطالب و حقایق را به مردم بفهماند. بدیهی است منظور از «لسان قوم» صرف لغت و زبان مردم نیست؛ زیرا گاهی ممکن است گوینده ای با زبان مردم سخن بگوید، ولی مردم حرف او را درست نفهمند، بلکه مراد آسان و قابل فهم

گفتن است به گونه ای که مردم پیام الهی را بفهمند. (۱)

چنانکه حضرت موسی علیه السلام وقتی مأموریت می یابد تا به مبارزه با فرعون پردازد از خداوند می خواهد که:

وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي، يَفْقَهُوا قَوْلِي؛ گره از زبان من بگشای تا گفتار مرا بفهمند. (طه: ۲۷ و ۲۸)

یعنی افزون بر شرح صدر، می خواهد که قدرت تفهیم و بیان به او بدهد؛ زیرا شرح صدر سرمایه بزرگی است، ولی کارسازی آن در صورتی است که قدرت ارائه و اظهار به صورت کامل وجود داشته باشد. به همین دلیل حضرت موسی علیه السلام بعد از تقاضای شرح صدر و برطرف کردن موانع، از خداوند خواست گره از کارش بردارد و علت تا هر شنونده ای منظور او را به خوبی درک کند.

علاوه بر اینکه حضرت موسی در این آیه درخواست می کند گره از بیانش باز شود در سوره دیگر درخواست می کند که برادرش هارون را به همراه او بفرستد؛ زیرا که او زبانی فصیح تر و رساتر دارد. آنجا که می فرماید: «وَآخِي هَارُونُ هُوَ أَفْصِحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسَلْهُ مَعِيَ رِدْءًا؛ و برادرم هارون از من زبان آورتر است. پس او را با من به دستگیری گسیل دار». (قصص: ۳۴)

بنابراین، آشنایی با زبان مردم چه در گفتار و چه نوشتار و چه در فیلم و هنرهای دیگر در حدی که بتواند مقصود و مطلب را رساتر و آشکارتر همراه با فصاحت و بلاغت به فهم مردم برسد از لوازم و ابزار مهم کار فرهنگی است و بدون آن، کار ناقص است. اگر شما بهترین

مطلب را داشته باشید اما نتواند به خوبی آن را به مردم تفهیم کنید و مردم آن را به راحتی متوجه نشوند، کار با شکست مواجه خواهد شد.

دیگر آن که _ همان گونه که آیات متعددی از قرآن کریم دلالت دارد، پیامبران علاوه بر آنکه با ادبیات قوم خود آشنا بودند، چون از جنس خود آن مردمان بودند و از میانه آنان برخاسته بودند، کاملاً با روحیات، فضا و شرایط حاکم نیز آگاه بودند و این نیز یکی از رموز پیشرفت آنان است. با همین استدلال، فعالیت های فرهنگی باید توسط کسانی نقش بندد که از نمط گروه مخاطب بوده و به لایه های درونی تفکر آن جامعه وقوف داشته باشند.

۲۴. خنده و گریه از ابزارهای مجاز کار فرهنگی است

۲۴. خنده و گریه از ابزارهای مجاز کار فرهنگی است

خداوند می فرماید:

هُوَ أَضْحَكٌ وَأَبْكِي؛ و هم اوست که می خنداند و می گریاند. (نجم: ۴۳)

این آیه و آیات بعدش، مواردی از منتهی شدن خلقت و تدبیر به خدای سبحان را بر می شمرد و می فهماند که ربوبیت، در خدا منحصر است و شریکی برای او در ربوبیت نیست. البته این انحصار منافات با وساطت اسباب طبیعی و یا غیر طبیعی در آن امور ندارد. مانند واسطه بودن مسرت و اندوه درونی و اعضایی که این مسرت و اندوه را نشان می دهد تحقق خنده و گریه.

بنابراین، معنای آیه این است که خدای تعالی کسی است که خنده را در شخص خندان و گریه را در شخص گریان ایجاد کرده و کسی در آن

شریک خدا نیست. (۱)

پس خنده و گریه ابزارهای مجاز در کارهای فرهنگی است. گاهی باید مردم را خندانند و گاهی گریانند. بسته به اینکه موقعیت و شرایط چگونه است. کسی مخالف خنده یا گریه نیست، بلکه رعایت نکردن حدود و شرایط و خطوط قرمز هاست؛ که گاهی سبب مخالفت ها می شود زیرا هیچ چیز مطلقى وجود ندارد و هر چیزی حد و حدود و مقرراتی دارد.

مسخره کردن، هجو مؤمنان، تحقیر کردن و دست انداختن آنان به هدف خنداندن از محدودیت های اسلامی خنداندن و ارائه اطلاعات تاریخی بی اساس برای گریانیدن، از محدودیت های گریانیدن، به شمار می آید.

پیامبر صلی الله علیه و آله در حدیثی می فرماید: «أَمَّا إِنِّي أُصَلِّيُ وَ أَنَامُ وَ أَصِيَوْمٌ وَ أَفْطِرٌ وَ أَضْحِكُ وَ أَبْكِي فَمَنْ رَغِبَ عَنِّ مِنْهَا جِى وَ سَيِّئَتِي لَيْسَ مِنِّي؛ همانا من نماز می گزارم و می خوابم و روزه می گیرم و افطار می کنم و می خندم و می گریم و هر که از طریقه و روش من روبرگرداند، از من نیست». (۲)

۲۵. شکستن خرافات و رسوم جاهلی یکی از وظایف مسئولان فرهنگی است

۲۵. شکستن خرافات و رسوم جاهلی یکی از وظایف مسئولان فرهنگی است

خداوند می فرماید:

فَلَمَّا قَضَىٰ زَيْدٌ مِنْهَا وَطْرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطْرًا؛ پس

۱- ترجمه المیزان، ج ۱۹، ص ۷۸.

۲- کافی (ط _ اسلامیه)، ج ۲، ص ۸۵.

چون زید از آن [زن] کام برگرفت [و او را ترک گفت] وی را به نکاح تو در آوردیم تا [در آینده] در مورد ازدواج مؤمنان با زنان پسرخواندگانشان _ چون آنان را طلاق گفتند _ مانعی نباشد. (احزاب: ۳۷)

در این آیه خداوند به داستان زید (پسر خوانده پیامبر) و همسرش زینب (دختر عمه پیامبر) می پردازد. زید پسر خوانده پیامبر صلی الله علیه و آله بود که به پیشنهاد وی با زینب ازدواج می کند. اما بعد از مدتی بر اثر مشاجره و اختلافاتی از یکدیگر جدا می شوند. پیامبر صلی الله علیه و آله به دو دلیل تصمیم می گیرد با زینب ازدواج کند یکی برای جبران شکست روحی زینب که به پیشنهاد خود پیامبر با یک برده آزاد شده (زید) ازدواج می کند: و از ناحیه همین برده آزاد شده نیز طلاق داده می شود و دوم برای طرد این سنت جاهلی که همسر سابق پسر خوانده خود را همانند عروس واقعی خود به حساب می آوردند و ازدواج او را پس از جدایی از پسر خوانده، جایز نمی دانستند. (۱)

بنابراین، پیامبر صلی الله علیه و آله به امر خداوند با زینب ازدواج می کند و خط باطلی بر این رسم جاهلیت می کشد، پیامبر اسلام می داند که ممکن است برخی عوام یا منافقان بر ضد او تبلیغ کنند و چهره او را مخدوش سازند اما از این وظیفه دست نمی کشد.

از اینجا معلوم می شود که مبارزه با خرافات و رسومی که هیچ مبنای عقلی و شرعی ندارند، یکی از وظایف متولیان فرهنگی است و سهل انگاری در این وظیفه جایز نیست.

۱- تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۳۱۹؛ تفسیر نور، ج ۹، ص ۳۷۰؛ ترجمه المیزان، ج ۱۶، صص ۴۸۲ و ۴۸۳.

در عصر ما نیز اگر چه علم و تکنولوژی پیشرفت کرد و ابزارهای جدید ارتباطی وارد زندگی مردم شده است، اما جهل و خرافه هنوز از افکار و زندگی مردم دور نشده است. این مطلب، وظیفه متولیان فرهنگی به ویژه در حوزه های علمیه و رسانه ملی را سنگین تر می کند. گاهی لازم است برای مبارزه با خرافه هزینه پردازیم و از آبرو و حیثیت معنوی نیز مایه بگذاریم. چنان که در آیه مورد بحث نیز خداوند به مخالفت های احتمالی عوام الناس شاخه و برگک یافتن آن در حد یک داستان عشقی نامتناسب با شأن ایشان وقعی نگذاشته و به بهای سر زبان افتادن یک موضوع خانوادگی پیامبر صلی الله علیه و آله و به جنگ چنین رسمی رفت تا آن را برای همیشه براندازد.

۲۶. در مبارزات فرهنگی عفت زبان و ادب را باید رعایت کرد

۲۶. در مبارزات فرهنگی عفت زبان و ادب را باید رعایت کرد

خداوند می فرماید:

وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ؛ و آنهایی را که جز خدا می خوانند دشنام مدهید که آنان از روی دشمنی [و] به نادانی، خدا را دشنام خواهند داد. (انعام: ۱۰۸)

خداوند در این آیه مسلمانان را به ادب و عفت زبان در برابر مخالفان و دشمنان دعوت می کند؛ چون این معنا جزو غریزه انسانی است که از حریم مقدسات خود دفاع کند. چه بسا او از شدت خشم به مقدسات دیگران فحش و ناسزا گوید، ولی خداوند در این آیه با این عمل مخالفت کرده و رعایت اصول ادب و عفت زبان را در برابر خرافی ترین

ادیان لازم شمرده است. (۱) دلیل مطلب نیز روشن است؛ زیرا دشنام و ناسزا نمی تواند کسی را از مسیر غلط باز دارد، بلکه همان طور که آیه فوق به آن اشاره دارد، تعصب شدید همراه با جهالت، سبب می شود که دیگران نیز به خدای مسلمان و مقدسات آنان ناسزا گویند و در حقیقت هتک حرمت به حریم کبریایی خداوند شده است. از این رو، رهبران دینی همیشه اصحاب و یاران خود را به رعایت ادب و حفظ زبان از دشنام و بدگویی حتی نسبت به دشمنان تشویق می کردند و تأکید داشتند با استدلال و منطق با آنان برخورد کنند. امیر مؤمنان، علی علیه السلام به جمعی از یارانش که پیروان معاویه را در ایام جنگ صفین دشنام می دادند (۲) می فرماید:

إِنِّي أَكْرَهُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا سَبَّابِينَ وَ لَكِنَّكُمْ لَوْ وَصَفْتُمْ أَعْمَالَهُمْ وَ ذَكَرْتُمْ حَالَهُمْ كَانَ أَضَوَّبَ فِي الْقَوْلِ وَ أُبْلَغَ فِي الْعُدْرِ. (۳)

من خوش ندارم که شما دشنام دهنده باشید، اما اگر به جای دشنام، شما کردارشان را تشریح و حالات آنان را بازگو می کردید (مطالبتان متین تر از کار درآمده و از عهده نقد منطقی آن بهتر بر می آمدید).

بنابراین در مبارزات فرهنگی باید ادب را رعایت کرد و به مخالفان احترام گذاشت. به کار بردن کلمات زشت و رکیک نه تنها مشکل را حل نخواهد کرد، بلکه روحیه لجاجت را در آنها زنده می کند و مقابله به مثل خواهند کرد. در این میان حتی کسانی که در جبهه مخالف ما نیستند و

۱- ترجمه المیزان، ج ۷، ص ۴۳۴.

۲- تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۳۹۳.

۳- نهج البلاغه (صبحی صالح)، ص ۳۲۳.

به قولی بی طرف هستند با مشاهده عملکرد زشت ما، ممکن است حق را به مخالفان و دشمنان بدهند و به سوی آنها جلب شوند. از این رو، بهترین شیوه در کارهای فرهنگی به کارگیری منطق، استدلال، زبان خوش و احترام به همه است.

۲۷. کارهای فرهنگی گاهی به از خودگذشتگی، ایثار و جان فشانی نیاز دارد

۲۷. کارهای فرهنگی گاهی به از خودگذشتگی، ایثار و جان فشانی نیاز دارد

خداوند می فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّنَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ؛ کسانی که به آیات خدا کفر می ورزند، و پیامبران را به ناحق می کشند، و دادگستران را به قتل می رسانند، آنان را از عذابی دردناک خبر ده. (آل عمران: ۲۱)

این آیه به بیان حال برخی از اهل کتاب و به خصوص یهودیان می پردازد که در گذشته آیات الهی را انکار می کردند و پیامبران و ناهیان از منکر و آمران به معروف را به قتل می رساندند و خداوند در این آیه آنان را به عذاب دردناک بشارت می دهد.

پیامبران و آمرین به قسط، از بهترین کارگزاران فرهنگی هستند که مردم را از جهالت و گمراهی به نور و روشنایی هدایت می کنند، در راه رسالتشان شهید می شوند و به قتل می رسند. از ظاهر آیه بر می آید که این عمل در گذشته تکرار شده و در حال حاضر نیز هر از گاهی علما و آمران به معروف را ترور می کنند. در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند کدامیک از مردم عذابش در روز قیامت از همه شدیدتر است؟ فرمود: کسی که پیامبری را به قتل برساند یا مردی را که امر به معروف و نهی از

منکر می کند، و آیه فوق را تلاوت فرمود سپس افزود؛ بنی اسرائیل ۴۳ پیامبر را در آغاز روز در یک ساعت کشتند.

با این حال، ۱۱۲ نفر از عابدان بنی اسرائیل قیام کردند و قاتلان را امر به معروف و نهی از منکر کردند، آنها نیز در همان روز کشته شدند. (۱)

تاریخ انبیا و اولیای الهی نمونه هایی از ایثار و جهاد و شهادت در راه اعتلای کلمه حق و مبارزه با جهل و خرافه و بت پرستی فراوان دارد. بنابراین، کسانی که می خواهند کار فرهنگی انجام دهند، باید بدانند که این وظیفه الهی به ایثار و جهاد و سختی و مرارت نیاز دارد؛ زیرا همیشه کسانی هستند که وضع موجود با منافع آنها سازگارتر است. بنابراین، بر ضد اصلاح طلبان فرهنگی اقدام می کنند و یا اینکه وضع موجود با منافع آنها سازگار نیست، از این رو از هر اقدامی برای برهم زدن وضعیت فرهنگی مردم دریغ نمی ورزند. در این مسیر، ممکن است خداوند به متولیان فرهنگی را که هدفی جز اصلاح جامعه ندارند آسیب برساند.

متولیان فرهنگی باید خوشحال باشند که اگر در راه مسیر اقامه قسط و بسط فرهنگ دینی کشته شوند، بر اساس آیه فوق هم ردیف پیامبران شهید، قرار دارند و خداوند آنها را در این آیه کنار یکدیگر ذکر کرده و این مقامی ارزشمند و شریف برای آنها خواهد بود.

فصل چهارم

ویژگی های مسئولان و متولیان فرهنگی از نگاه آیات و روایات

اشاره

ویژگی های مسئولان و متولیان فرهنگی از نگاه آیات و روایات

زیر فصل ها

۱. مسئولان فرهنگی باید روح بزرگ داشته باشند
۲. مسئولان فرهنگی باید خوش اخلاق و نرم دل باشند
۳. مسئول فرهنگی باید ظاهری آراسته داشته باشد
۴. مسئولان فرهنگی دائماً باید در فکر رشد علمی باشند
۵. مسئولان فرهنگی نباید چشم انتظار مالی از مردم داشته باشند
۶. متولیان فرهنگی باید شناختی عمیق از دین داشته باشند
۷. مسئولان فرهنگی باید سوز و شور داشته باشند
۸. کارگزاران فرهنگی باید شجاعت و شهامت داشته باشند
۹. زبان و دل متولیان فرهنگی باید هماهنگ باشد (به آنچه می گویند عامل باشند)
۱۰. پاداش و کیفر متولیان فرهنگی دو چندان است
۱۱. متولیان فرهنگی باید اهل بصیرت باشند
۱۲. حکومت اسلامی باید کار فرهنگی را جزو وظایف اصلی خود به حساب آورد

۱. مسئولان فرهنگی باید روح بزرگ داشته باشند

۱. مسئولان فرهنگی باید روح بزرگ داشته باشند

خداوند می فرماید:

قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي؛ گفت: «پروردگارا، سینه ام را گشاده گردان. (طه: ۲۵)

بعد از آنکه خداوند به موسی علیه السلام دستور می دهد که به جانب فرعون رود و رسالت الهی را به او و اطرافیانش یادآوری کند، حضرت موسی علیه السلام از خداوند درخواست شرح صدر، روح بزرگ، حوصله و استقامت کرد. شرح صدر؛ یعنی روح، چنان بزرگ می شود که آمادگی پذیرش هر واقعیتی دارد. از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره شرح صدر سؤال شد، فرمود: «نوری است که خدا در قلب هر کس بخواهد، می افکند و در پرتو آن روح او وسیع و گشاده می شود.

پرسیدند آیا نشانه ای دارد که با آن شناخته شود؟

فرمود: آری نشانه اش توجه به سرای جاویدان و دامن برجیدن از زرق و برق دنیا و آماده شدن برای مرگ است پیش از آنکه مرگ فرا رسد»^(۱).

بنابراین، متولیان فرهنگی متناسب با سطح مسئولیتشان نیازمند روح

۱- تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۴۳۷.

بزرگ و سعه صدر هستند تا بتوانند مشکلات بزرگ فعالیت های فرهنگی را پشت سر نهند.

۲. مسئولان فرهنگی باید خوش اخلاق و نرم دل باشند

۲. مسئولان فرهنگی باید خوش اخلاق و نرم دل باشند

خداوند می فرماید:

وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ؛ و راستی که تو را خوبی والاست. (قلم: ۴)

همچنین در آیه دیگری می فرماید:

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لِمَأْتَفُضُوا مِنْ حَوْلِكَ؛ پس به [برکت] رحمت الهی، با آنان نرم خو [و پُرمهر] شدی، و اگر تندخو و سخت دل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می شدند. (آل عمران: ۱۵۹)

آیات فوق نشان دهنده اخلاق نیکو و حسنه پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و نقش آن در جذب مردم به اسلام و دوری از شرک است. در بعضی از تفاسیر از این خلق نیکو به معجزه اخلاقی پیامبر تعبیر شده است و آن را از عوامل مهم پیروزی فرهنگی پیامبر صلی الله علیه و آله بر فرهنگ عقب مانده جزیره العرب و نواحی اطراف می دانند. در حدیثی از امام حسین علیه السلام آمده است: «از پدرم امیرمؤمنان، علی علیه السلام درباره ویژگی های زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و اخلاق او سؤال کردم و پدرم به طور مفصل به من پاسخ فرمود. در بخشی از این پاسخ آمده است:

رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله با همنشینانش چنین بود که دائماً خوش رو و خندان و سهل الخلق و ملایم بود. هرگز خشن و سنگ دل و پرخاشگر و بدزبان و عیب جو و مدیحه گر نبود، هیچ کس از او مأیوس نمی شد و هرکس به در

خانه او می آمد، نومید باز نمی گشت. سه چیز را از خود رها کرده بود: مجادله در سخن، پرگویی و دخالت در کاری که به او مربوط نبود. و سه چیز را در مورد مردم رها کرده بود: کسی را مذمت نمی کرد و سرزنش نمی فرمود. از لغزش ها و عیوب پنهانی مردم جست و جو نمی کرد. هرگز سخن نمی گفت مگر در موردی که ثواب الهی را امید داشت. در موقع سخن گفتن به قدری نافذالکلمه بود که همه سکوت اختیار می کردند و تکان نمی خوردند و به هنگامی که ساکت می شد: آنها به سخن در می آمدند. اما نزد او هرگز نزاع و مجادله نمی کردند... هرگاه فرد غریب و ناآگاهی با خشونت سخن می گفت و درخواستی می کرد تحمل می نمود و به یارانش می فرمود: هرگاه کسی را دیدید که حاجتی دارد به او عطا کنید و هرگز کلام کسی را قطع نمی کرد تا سخنش پایان گیرد. (۱)

بنابراین، مسئولان و متولیان فرهنگی باید اخلاق خوش و زبانی نرم و قلبی بدون کینه داشته باشند تا بتوانند کالای خود را به بهترین وجه عرضه کنند. همان طور که در تفسیر آیات گفته شد آنچه اسلام را پیش برد فقط استدلال و منطق نبود، تنها شمشیر هم نبود بلکه این اخلاق نیکوی پیامبر و ائمه معصومان علیهم السلام بود که بر دل مردم اثر می گذاشت. و آنان را با تمام وجود آماده ایثار و جانفشانی در راه اسلام می کرد. وقتی مردم اثر حیات بخش اسلام را در اعمال و رفتار متولیان فرهنگی ببینند، بهترین تابلو تبلیغاتی برای نمایش دادن فرهنگ متعالی است.

در روایتی امام صادق علیه السلام می فرماید:

كُونُوا دُعَاءَ لِلنَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ اَلْوَرَعَ وَ اَلِاجْتِهَادَ وَ

الصَّلَاةَ وَالْحَيْرَ فَإِنَّ ذَلِكَ دَاعِيَةٌ؛ مردم را با غیر زبان خود (با اعمال و رفتار خود) به راه حق دعوت نمایید. باید مردم از شما ورع و کوشش و نماز و اعمال خیر ببینند که این روش کاملاً جلب کننده است. (۱)

۳. مسئول فرهنگی باید ظاهری آراسته داشته باشد

۳. مسئول فرهنگی باید ظاهری آراسته داشته باشد

خداوند می فرماید:

وَيَا بَنِي إِسْرَائِيلَ فَطَّهِّرُوا لِبَاسَكُمْ خَيْرًا مِّنْ لِّبَاسِكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (مدثر: ۴)

خداوند در این سوره برای قیام به انجام رسالتش دستوراتی به پیامبرش می دهد. از جمله اینکه می فرماید: ای پیامبر جامه خود را پاک کن. این معنی در واقع به حفظ ظاهر و آراستگی اشاره دارد. (۲) با توجه به اینکه این سوره در مکه و در اوایل بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است می رساند که آراستگی ظاهری برای شخصیتی که دین جدید و آیین و فرهنگ تازه ای می خواهد بیاورد، اهمیت فوق العاده ای دارد. علت مطلب هم معلوم است؛ زیرا پاکیزگی لباس از مهم ترین نشانه های شخصیت و تربیت و فرهنگ انسان است، به ویژه در عصر جاهلیت از آلودگی ها کمتر اجتناب می کردند. انسان تمیز و مرتب، کلامش بهتر بر دل می نشیند، مردم آراستگی ظاهر را اماره آراستگی باطن می شمارند امام رضا علیه السلام در این باره می فرماید: «مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ النَّظْفُ؛ پاکیزگی از اخلاق پیامبران است». (۳)

۱- بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۳۰۳.

۲- ترجمه المیزان، ج ۲۰، ص ۱۲۶؛ تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۲۱۲.

۳- تحف العقول، ص ۴۴۲.

همچنین آن حضرت درباره بوی خوش می فرماید: «مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ التَّطَيُّبُ؛ از اخلاق انبیا بوی خوش به کار بردن است».^(۱)

بنابراین، افراد فرهنگی باید ظاهری جذاب، پاک و مرتب داشته باشند تا در همان وهله اول از افکار مردم طرد نشوند. پاکیزگی به متولیان فرهنگی اختصاص ندارد بلکه هر چیزی که به فرهنگ و امور فرهنگی منتسب است مثل ساختمان، وسیله نقلیه، نمایشگاه و... همه باید ویژگی آراستگی را داشته باشند.

۴. مسئولان فرهنگی دائماً باید در فکر رشد علمی باشند

۴. مسئولان فرهنگی دائماً باید در فکر رشد علمی باشند

خداوند می فرماید:

وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا؛ و بگو پروردگارا، بر دانشم بیفزای. (طه: ۱۱۴)

در آیه فوق خداوند به پیامبرش دستور می دهد تا از خداوند طلب فزونی علم نماید. جایی که پیامبر صلی الله علیه و آله با آن علم سرشار و روح مملو از آگاهی مأمور است تا پایان عمر، از خدا افزایش علم بطلبد، وظیفه دیگران کاملاً روشن است. از نظر اسلام، افزون طلبی در بسیاری از امور مذموم است ولی در علم ممدوح است.^(۲)

در حدیثی امام صادق علیه السلام به نقل از پدرانش می فرماید:

فَضْلُ الْعِلْمِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ مِنْ فَضْلِ الْعِبَادَةِ؛ ارزش علم نزد خداوند محبوب تر است از ارزش عبادت.^(۳)

۱- مکارم الاخلاق، ص ۴۲.

۲- تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۳۱۴.

۳- تفسیر صافی، ج ۳، ص ۳۲۲.

همچنین از جمله اندرزهای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ابوذر این است که فرمود:

يَا جَاهِلُ تَعَلَّمِ الْعِلْمَ فَإِنَّ قَلْبًا لَيْسَ فِيهِ عِلْمٌ مِنَ الْعِلْمِ كَالْبَيْتِ الْخَرَابِ الَّذِي لَا عَامِرَ لَهُ؛ ای نادان! بیاموز دانش را؛ زیرا دلی که در آن نور دانش نتابد، مانند خانه خرابی است که کسی او را تعمیر نمی کند.

بنابراین، همه کسانی که عهده دار کارهای فرهنگی هستند باید علم و دانش خود را در حیطة وظایفشان افزایش دهند و متکی به اندوخته های سابق نباشد. امروزه سرعت پیشرفت علمی به اندازه ای است که اگر انسان، خود را به روز نکند، بعد از چند سال در حکم افراد کم سواد خواهد بود. به خصوص در مسائل فرهنگی که از یک سو با جامعه و از سوی دیگر با انسان سروکار دارد و هر دو پیچیدگی های خاص خود را دارند.

۵. مسئولان فرهنگی نباید چشم انتظار مالی از مردم داشته باشند

۵. مسئولان فرهنگی نباید چشم انتظار مالی از مردم داشته باشند

خداوند می فرماید:

قُلْ لِمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ؛ بگو: «من، از شما هیچ مزدی بر این [رسالت] نمی طلبم. این [قرآن] جز تذکری برای جهانیان نیست. (انعام: ۹۰)

خداوند در چند جای قرآن بیان می دارد که پیامبران و انبیا به مردم می گفتند که «من در مقابل این رسالت از شما چیزی نمی خواهم.» در آیه فوق نیز خداوند به حضرت محمد صلی الله علیه و آله دستور می دهد که به مردم بگوید من در برابر رسالتی که انجام می دهم از شما پاداشی نمی خواهم. علت

مطلب هم روشن است؛ زیرا وقتی مردم این را بدانند که پیامبری ادعای مالی ندارد، حرفش را بهتر گوش می کنند و به او خوش بین تر می شوند. از این رو، این روش همه انبیا الهی بوده و حتی جانشینان آنها و علمای بزرگ نیز بر این منش سلوک می کردند. مسائل مادی آن قدر حساسیت برانگیز است که اگر کسی بویی از انحراف مالی داشته باشد، دیگر کلامش در مردم نافذ نخواهد بود ولو اینکه حق بگوید. از این رو، برخی مردم که توقعات مالی نابه جایشان از سوی پیامبر برآورده نمی شد، درباره تقسیم صدقات به حضرت خرده می گرفتند و او را در تقسیم کردن اموال عادل نمی دانستند. قرآن با مذمت از این افراد یاد کرده و می فرماید:

وَ مِنْهُمْ مَنْ يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ؛ و برخی از آنان [منافقان] در [تقسیم] صدقات بر تو خرده می گیرند. (توبه: ۵۸)

مبادا آنکه آبروی آن حضرت مخدوش شود بنابراین، متولیان فرهنگی نباید با درخواست مالی از مردم، خود و کلامشان را در نگاه مردم کوچک کنند و ارزش کارشان را پایین بیاورند. آنها باید بدانند که مسائل فرهنگی، ارزش و اهمیت فراوان دارد و ابلاغ آن به مردم از نگاه خداوند مخفی نمی ماند و خداوند اجر و پاداش آن را هم در دنیا و هم آخرت ادا خواهد کرد. کسانی که مسئول بودجه نویسی کشور هستند باید به امر فرهنگ توجه کنند و در تقسیم بودجه، سهم فرهنگ را کم نگذارند. امور فرهنگی باید در اولویت اول باشد و بودجه کافی به آن اختصاص داده شود. متأسفانه در کشور ما مسائل فرهنگی در رتبه آخر و بعد از همه امور قرار می گیرد. درست است که متولی فرهنگی نباید چشم داشتی از مردم داشته باشد، اما این به معنای بی توجهی مسئولان کشور و

بودجه نویسان دولت و مجلس نیست. آنها نیز باید رسالتشان را به نحو مستوفی انجام دهند.

همچنین افراد خیری که می توانند کمک کنند، باید در این قضیه پیشقدم شوند و خود پیشنهاد مالی برای کارهای فرهنگی بدهند. در این صورت هم مسئولان فرهنگی سبک نمی شوند و هم طرح های فرهنگی بر زمین نمی ماند.

۶. متولیان فرهنگی باید شناختی عمیق از دین داشته باشند

۶. متولیان فرهنگی باید شناختی عمیق از دین داشته باشند

خداوند می فرماید:

فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ؛ چرا از هر گروهی، دسته ای به سفر نروند تا دانش دین خویش را بیاموزند و چون بازگشتند مردم خود را هشدار دهند، باشد که از زشت کاری حذر کنند. (توبه: ۱۲۳)

خداوند در این آیه به مسلمان اعتراض می کند که چرا عده ای از مردم از شهر خویش به سوی مدینه کوچ نمی کنند تا دین را فراگیرند و آن گاه به سوی قوم و دیار خود برگردند و آنها را انذار کنند، شاید آنها از کارهای زشت دست بکشند. بنابراین، حرکت به سوی تفقه دین و فراگیری علوم دینی اعم از عقاید، اخلاق و احکام، امری لازم است تا اینکه در هر شهری عالمی و متخصص دینی باشد و مردم را انذار کند.

در روایات نیز بر فراگیری علوم دینی تأکید شده است. امام صادق علیه السلام می فرماید:

عَلَيْكُمْ بِالتَّفَقُّهِ فِي دِينِ اللَّهِ وَلَا تَكُونُوا أَعْرَابًا فَإِنَّهُ مَنْ لَمْ يَتَفَقَّهْ

فِي دِينِ اللَّهِ لَمْ يَنْظُرِ اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَمْ يُرَكَّ لَهُ عَمَلًا؛ بر شما باد که در دین خدا دانشمند شوید و صحراگرد نباشید؛ زیرا آنکه در دین خدا دانشمند نشود خدا روز قیامت به او توجه نکند و کردارش را پاکیزه نشمارد. (۱)

امام باقر علیه السلام در حدیث دیگری می فرماید:

الْكَمَالُ كُلُّ الْكَمَالِ التَّفَقُّهُ فِي الدِّينِ وَ الصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ وَ تَقْدِيرُ الْمَعِيشَةِ؛ کمال انسان و نهایت کمالش دانشمند شدن در دین و صبر در بلا و اقتصاد در زندگی است. (۲)

با توجه به اینکه اکثریت مردم کشور ما مسلمان و اهل دین هستند، متولیان امر فرهنگ نیز باید اطلاعات و شناخت خوبی از دین داشته باشند. هرگونه تصمیم و یا اجرای طرح فرهنگی در کشور، بدون اطلاع از ارتباط آن با دین در کشور مشکل ساز خواهد بود؛ زیرا همانطور که قبلاً گفتیم فرهنگ در کشور ما هم سو با دین است و مورد تأیید آن است. فرهنگی که با دین در تعارض باشد، جایی در کشور ما ندارد. بنابراین، متولیان فرهنگی خود باید اسلام شناسانی قوی و کارگشته باشند یا حداقل با متخصصان دینی مشورت کند و از آنها راهنمایی بخواهد.

۷. مسئولان فرهنگی باید سوز و شور داشته باشند

۷. مسئولان فرهنگی باید سوز و شور داشته باشند

خداوند می فرماید:

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ؛ هر آینه پیامبری از خود شما بر

۱- کافی (ط _ اسلامیة)، ج ۱، ص ۳۱.

۲- کافی (ط _ اسلامیة)، ج ۱، ص ۳۲.

شما مبعوث شد. هر آنچه شما را رنج می دهد بر او گران می آید سخت به شما دل بسته است و با مؤمنان رئوف و مهربان است. (توبه: ۱۲۸)

این آیه به پنج ویژگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان رهبری دینی و فرهنگی اشاره دارد. ویژگی اول: حضرت از جنس خود مردم است. ویژگی دوم: هر گونه ناراحتی و زیان و ضرری به شما برسد برای او سخت و ناراحت کننده است. ویژگی سوم: او سخت به هدایت شما و هر چه به خیر و سعادت شما مرتبط باشد، علاقمند است و عشق می ورزد. ویژگی چهارم و پنجم: او نسبت به مؤمنان رئوف و مهربان است. (۱)

بنابراین، کسی که رهبری دینی و فرهنگی مردم را عهده دار می شود و خواهان انجام اصلاحات فرهنگی در جامعه است، باید سوز و شور داشته باشد. با رنج مردم برنجد و از گمراهی و کجروی شان اندوهناک باشد.

باید مردم را از خود بدانند، گرسنگی آنها گرسنگی او باشد، نباید خود را عضو جدای از جامعه بدانند، مردم متمایل به کسی می شوند که هم درد آنها باشد و سختی های آنها را احساس کند. در این صورت است که هر چه پیامبر صلی الله علیه و آله بگوید، اطاعت می کنند و همه آداب و رسوم باطل پدرانشان را به زباله دان تاریخ می ریزند و فرهنگی نو و غنی، نه از جنس فرهنگ ایران زمین و نه رومیان و یونانیان، بلکه فرهنگی مبتنی بر وحی الهی در آن سرزمین فلاکت بار برپا می کنند و تاکنون که پانزده قرن از آن

می گذرد، هنوز طراوت و تازگی خودش را حفظ کرده و توانسته است نگاه جوانان شرق و غرب عالم را به خود جلب کند. اگر عشق و علاقه پیامبر صلی الله علیه و آله به مردم نبود، آیا آن مردم حاضر بودند تمام هستی خود را به پای دین پیامبر بریزند؟

بنابراین، همه کسانی که خواهان اصلاحات فرهنگی هستند باید چنین باشند.

۸. کارگزاران فرهنگی باید شجاعت و شهامت داشته باشند

۸. کارگزاران فرهنگی باید شجاعت و شهامت داشته باشند

خداوند می فرماید:

الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ؛ همان کسانی که پیام های خدا را ابلاغ می کنند و از او می ترسند و از هیچ کس جز خدا بیم ندارند. (احزاب: ۳۹)

این آیه به یکی از ویژگی های مهم انبیا اشاره دارد و می فرماید پیامبران گذشته رسالت های الهی را تبلیغ می کردند و در این راه از کسی غیر از او نمی ترسیدند. بنابراین، شرط اساسی برای پیشرفت در مسائل تبلیغاتی، قاطعیت، اخلاص و نترسیدن از هیچ کس جز خداست. آنها که در برابر فرمان های الهی خواسته های این و آن و تمایلات بی رویه گروه ها و جمعیت ها را در نظر می گیرند و با توجیهاتی، حق و عدالت را تحت الشعاع آن قرار می دهند، هرگز نتیجه اساسی نخواهند گرفت. البته این با مواردی که نرمش و سکوت در آنها برای جذب دل ها بهتر است، منافات ندارد. از این رو، کارگزاران فرهنگی که از یک سو به دنبال حفظ فرهنگ اصیل مردم هستند و از سوی دیگر با فرهنگ منحرف و منحط غرب مبارزه می کنند، باید شهامت و شجاعت این کار را داشته باشند و

از تهدید و تطمیع و فشارهای صاحب منصبان و صاحب نفوذان هراسی به خود راه ندهند. بی شک انجام این رسالت سنگین، دشواری های فراوانی دارد و همیشه موانع بزرگی در سر راه خواهد بود که توکل بر خدا و نترسیدن از غیر خدا، بهترین پشتوانه و پشتیبان خواهد بود. (۱)

۹. زبان و دل متولیان فرهنگی باید هماهنگ باشد (به آنچه می گویند عامل باشند)

۹. زبان و دل متولیان فرهنگی باید هماهنگ باشد (به آنچه می گویند عامل باشند)

خداوند می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ كَبِرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، چرا چیزی می گویند که انجام نمی دهید؟ نزد خدا سخت ناپسند است که چیزی را بگویید و انجام ندهید. (صف: ۲ و ۳)

خداوند در این آیات، مؤمنان را به دلیل عمل نکردن به قول هایشان سرزنش می کند و این کار آنها را بسیار زشت می داند. از نشانه های مهم مؤمنان راستین این است که گفتار و کردارشان صددرصد هماهنگ باشد و هر چه خلاف این باشد دوری از ایمان است. این دو حالت دارد: گاه انسان سخنی می گوید که از اول تصمیم دارد انجام ندهد. این نوعی نفاق و دورویی است که از ساحت مؤمنان به دور است، اما گاه از اول تصمیم بر عمل دارد، ولی بعداً پشیمان می شود. این دلیل ضعف ایمان است که باید برطرف شود. جدایی گفتار از کردار موجب بی اعتمادی بین مردم و سلب اطمینان از یکدیگر می شود و این بدترین بلایی است که ممکن

است به جامعه ای وارد شود. جامعه ای که در آن افرادش سخنی می گویند و پای بند به آن نیستند هرگز برادری، صمیمیت و اعتماد بین آنها حاکم نخواهد شد این عاملی برای فسادهای دیگر در جامعه خواهد شد. هماهنگی گفتار و کردار و حتی پندار و اعتقاد از لوازم اولیه کارهای فرهنگی است و بدون آن، اعتماد که بزرگ ترین سرمایه است از بین خواهد رفت و انبیا بهترین الگو برای این هماهنگی سه گانه هستند.

خداوند در این باره می فرماید: «آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ؛ پیامبر [خدا] به آنچه از جانب پروردگارش بر او نازل شده است ایمان آورده است». (بقره: ۲۸۵)

این آیه می فرماید که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به آنچه بر او نازل شده و دیگران را به آن دعوت می کند، ایمان دارد؛ یعنی اعتقاد آنها با محتوای دعوتشان یکی است و خلاف آنچه مردم را به آن دعوت می کند معتقد نیستند. امیر مؤمنان علی علیه السلام در نامه ای به مالک اشتر (به عنوان یک حاکم اسلامی و کارگزار فرهنگی) می نویسد:

إِيَّاكَ..... أَنْ تَعِدَهُمْ فَتَتَّبِعَ مَوْعِدَكَ بِخُلْفِكَ... الخُلْفَ يُوجِبُ الْمَمْتَّ عِنْدَ اللَّهِ وَالنَّاسِ؛ از اینکه به مردم وعده بدهی و تخلف کنی سخت بپرهیز، زیرا این موجب خشم عظیم در نزد خدا و مردم خواهد شد. (۱)

وقتی این ویژگی در مؤمنان با این اهمیت باشد، برای مسئولان فرهنگی که پیام آور دوستی و صداقت و راست گویی هستند، به طریق اولی لازم و ضروری است. چطور می شود به کارگزار فرهنگی اعتماد

۱- تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۶۳ و نهج البلاغه (صبحی صالح)، ص ۴۴۴.

داشت و راه و روش و فرهنگ او را پیروی کرد در حالی که پای بند به گفته های خویش نیست.

۱۰. پاداش و کیفر متولیان فرهنگی دو چندان است

۱۰. پاداش و کیفر متولیان فرهنگی دو چندان است

خداوند می فرماید:

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكُمْ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا؛ ای زنان پیامبر، هر کس از شما مرتکب کار زشت درخور عقوبت شود، خدا عذاب او را دو برابر می کند و این بر خدا آسان است. (احزاب: ۳۰)

همچنین می فرماید:

وَمَنْ يَفْعَلْ مِنْكُمْ خَيْرًا نَجْعَلْ لَكُمْ جَزَاءً وَنَجْعَلْ لَكُمْ مِنْكُمْ رَحْمَةً وَرَزَقَ وَكَارَى شَايِسْتَهُ كُنْدَ دَوَابَّرَ بِهٖ اَوْ يَدَاشْ دَهِيْمَ. (احزاب: ۳۱)

خداوند در این آیات به زنان پیامبر صلی الله علیه و آله هشدار می دهد که شما مانند بقیه مردم نیستید. اگر شما مرتکب کار زشتی شوید، عذاب شما دو برابر است و اگر کار خوبی انجام دهید پاداش آن نیز مضاعف است؛ زیرا شما در خانه وحی زندگی می کنید. بنابراین، آگاهی شما در زمینه مسائل دینی با توجه به ارتباط دائم با پیامبر صلی الله علیه و آله بیشتر است و از طرفی چون شما به خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله منتسب هستید در معرض نگاه دیگرانید و اعمال شما سرمشق دیگران است. بنابراین، با توجه به اینکه پاداش و کیفر، به

معرفت و میزان آگاهی و همچنین تأثیر آن عمل در محیط بستگی دارد، (۱) میزان پاداش و کیفر زنان پیامبر صلی الله علیه و آله با بقیه مردم متفاوت است. در روایات نیز به این مسئله که پاداش و کیفر بستگی به میزان معرفت دارد اشاره شده است، چنانکه از امام صادق علیه السلام نقل شده است که:

يُغْفَرُ لِلْجَاهِلِ سَبْعُونَ ذَنْبًا قَبْلَ أَنْ يُغْفَرَ لِلْعَالِمِ ذَنْبٌ وَاحِدٌ؛ هفتاد گناه جاهل بخشوده می شود پیش از آنکه یک گناه از عالم بخشوده شود. (۲)

از آیات فوق این نتیجه را می توان گرفت که حکم فوق اختصاص به زنان پیامبر صلی الله علیه و آله ندارد. و هر کس شرایط و معیارها و ملاک های آنان را داشته باشد شامل این قانون خواهد شد. بنابراین، متولیان و دست اندرکاران فرهنگی که معمولاً از آگاهی و معرفت بیشتری برخوردارند و جایگاه اجتماعی خاصی در جامعه دارند و مردم آنها را به عنوان انسان های فرهنگی و ارزشی می دانند، اگر کار خوبی کنند یا کار زشت آشکاری انجام دهند، پاداش و کیفر آن دو چندان خواهد شد. بنابراین این گونه افراد باید بیشتر به خود توجه کنند و کاری نکنند که موجب گمراهی مردم شوند.

۱۱. متولیان فرهنگی باید اهل بصیرت باشند

۱۱. متولیان فرهنگی باید اهل بصیرت باشند

خداوند می فرماید:

أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنْ أَبْغَعِي؛ مَنْ وَهَرَ كَسْ مِرَا پِروى كَرْد بَا بِنَايِى بَه سَوى خِدا دَعْوَت مِى كَنِىم. (يوسف: ۱۰۸)

۱- تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۸۴.

۲- تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۸۵ و کافی (ط _ الاسلامیه)، ج ۱، ص ۴۷.

پیامبر صلی الله علیه و آله بر اساس این آیه می فرماید که من از روی تقلید یا بی اطلاعی مردم را به سوی خداوند دعوت نمی کنم بلکه من و همه پیروانم از روی بصیرت این کار را انجام می دهیم. بصیرت به معنای بینایی دل است. این معنا با علم و ایمان متفاوت است. ممکن است کسی عالم و مؤمن باشد، اما بصیر نباشد و ممکن است شخصی بصیر باشد ولی عالم مصطلح نباشد. بنابراین، بصیرت نوری باطنی است که حق را از باطل تشخیص می دهد و هیچ وقت گرفتار فتنه نخواهد شد و این از لوازم دعوت به سوی حق است؛ زیرا گاهی حق و باطل چنان نزدیک به هم و شبیه به یکدیگر می شوند که غیر از انسان های بصیر، بقیه راه را گم می کنند. پس آنان چگونه می خواهند دیگران را از گمراهی به روشنایی رهنمون کنند. پس بصیرت لازمه کار هدایت است.

متولیان فرهنگی کشور ما که مسئولیت هدایت مردم به سوی فرهنگ متعالی را دارند، نباید خود را در گرداب فتنه هایی گرفتار کنند که از غرب و شرق یا داخل ایجاد می شود.

آیا می توان فرهنگ کشوری را که اساس آن کشور است به دست افرادی سپرد که مدارج عالیه علمی را طی کرده اند، اما بی بصیرتند. آیا کسی که قوه درونی برای تشخیص حق از باطل ندارد و آگاهی لازم در تشخیص مصالح عمومی جامعه را ندارد، می تواند برای کشوری طرح های فرهنگی ارائه کند.

بنابراین، وجود بصیرت فرهنگی از ضروریات و معیارهای انتخاب متولیان فرهنگی کشور باید باشد.

۱۲. حکومت اسلامی باید کار فرهنگی را جزو شرح وظایف اصلی خود به حساب آورد

۱۲. حکومت اسلامی باید کار فرهنگی را جزو شرح وظایف اصلی خود به

خداوند می فرماید:

الَّذِينَ إِن مَكَانَهُمْ فِي الْمَأْزُوقِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ؛ همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز برپا می دارند و زکات می دهند و به کارهای پسندیده وامی دارند، و از کارهای ناپسند باز می دارند، و فرجام همه کارها از آن خداست. (حج: ۴۰)

خداوند در این آیه به ویژگی مؤمنان اشاره می کند که در زمین نیرومند شوند و قدرت یابند، در واقع، ویژگی مؤمنان این است که وقتی در زمین نیرومند شوند و برای هر نوع زندگی اختیار داشته باشند، در میان انواع زندگی، زندگی صالح اختیار می کنند و جامعه ای صالح می سازند تا در آن جامعه نماز به پا داشته و زکات داده شود، امر به معروف و نهی از منکر نیز انجام می گیرد. (۱)

مؤمنان وقتی قدرت پیدا کنند تبلور آن در حکومت اسلامی است. بنابراین، حکومت اسلامی وظیفه دارد کارهای چهارگانه که در آیه بیان شده اجرا کند؛ یعنی در جامعه کاری کنند که نماز برپا شود و شخص بی نماز در جامعه نباشد، فریضه دادن زکات و امر به معروف و نهی از منکر احیا شود و همه به آن پای بند باشند. همه این کارها نیازمند کار فرهنگی است. بنابراین، در جامعه اسلامی که حکومت آن تبلور قدرت مؤمنان است، باید برای به پا داشتن آن چهار ویژگی به مسائل فرهنگی

بپردازد و نمی تواند خود را غیر مسئول در مسائل فرهنگی بداند.

البته این بدان معنا نیست که دولت حتماً مستقیماً به این امور بپردازد. بلکه می تواند شرایط و زمینه های کار فرهنگی درباره ساخت جامعه ای مطلوب با استانداردهایی که گفته شد فراهم نماید تا ارگان ها و سازمان های فرهنگی مستقل از دولت به این امور بپردازند و دولت نقش ناظر را داشته باشد.

به هر حال، حاکمان مسلمان باید بدانند که حتی اگر در تأمین بهداشت، امنیت، رفاه و سایر مطالبات مردم خود به توفیق صدرصد دست یابند، ولی در انجام رسالت های فرهنگی گفته شده، موفق نباشند حداکثر آن است که یک حکومت سکولار خوبی به شمار می آید، ولی هرگز نمی توان آن را حکومت اسلامی نام نهاد. حکومتی که نتواند نماز را به پا دارد و زکات را همگانی سازد و نظام ارزشی اسلامی را در قالب امر به معروف و نهی از منکر به اجرا گذارد حکومت اسلامی نیست و طبق آیه صدرالاشاره نباید انتظار حمایت و یاری از سوی خداوند را داشته باشد.

فصل پنجم

تهاجم فرهنگی از منظر آیات و روایات

اشاره

تهاجم فرهنگی از منظر آیات و روایات

تهاجم فرهنگی از دیرباز در میان جوامع بوده است، اما به شکل امروزی آن از دویست سال پیش با پیشرفت علم و تکنولوژی غرب شروع شد. استکبار جهانی که با پیروزی انقلاب اسلامی ایران قطع منافع خود را می‌دید، از هر وسیله‌ای برای به زانو درآوردن مردم ایران بهره برد و از انواع تهاجم‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی بر ضد ایران استفاده کرد.

از آنجا که انقلاب ما انقلابی فرهنگی و بر فرهنگ اسلام متکی بود، استکبار جهانی تنها راه مقابله با آن را در تهاجم فرهنگی و جای‌گزینی آن با فرهنگ منحط غرب می‌دید. از این رو، از همه ابزارهای جدید خود بهره برد تا بتواند فکر و اعتقادات مردم را وارونه کند، استعمار جدید خوب می‌دانست فرهنگ غنی اسلام سدّ راه مطامع آنها در کشور های اسلامی و به خصوص ایران است. بنابراین، با تهاجم ناجوانمردانه به این فرهنگ، می‌توانست به همه اهداف خود برسد؛ زیرا فرهنگ، روح و جان یک ملت است و سقوط و صعود جوامع را باید در فرهنگ آنها جست‌وجو کرد. رهبر معظم انقلاب اسلامی با درک خطر عظیمی که جامعه ایرانی اسلامی را تهدید می‌کرد از سالیان پیش، مردم و مسئولان را خطاب قرار دادند و رسالت آنها را در شناخت و مقابله با تهاجم فرهنگی گوشزد کردند. ایشان در بیاناتی می‌فرمایند:

عناصر فرهنگی جامعه _ هر که هستند، هر چه هستند، چه وابستگان به دانشگاه‌ها، چه وابستگان به حوزه‌های علمیه و چه

دیگران _ باید بدانند که امروز دشمن، بیشترین همت خود را روی تهاجم فرهنگی گذاشته است. من به عنوان یک آدم فرهنگی، این را عرض می‌کنم نه به عنوان یک آدم سیاسی. (۱)

تعریف تهاجم فرهنگی

تعریف تهاجم فرهنگی

تهاجم فرهنگی، هجومی است از سوی یک نظام فرهنگی خاص به نظام فرهنگی دیگر که از طریق شیوه‌ها و ابزارهای خاص فرهنگی به صورتی یک‌جانبه و ناگهانی صورت می‌گیرد و هدف اساسی آن جای‌گزینی ارزش‌ها، روش‌زندگی، اخلاقیات و نظام مکتبی فرهنگ مهاجم به جای ارزش‌ها، عقاید، روش‌زندگی اخلاقیات و نظام مکتبی فرهنگ مورد تهاجم است. (۲)

بنابراین، تهاجم فرهنگی، هجوم فرهنگ بیگانه به فرهنگ جامعه دیگر بدون رضایت این جامعه است، ممکن است تهاجم به همه ابعاد یک فرهنگ یا برخی از ابعاد آن باشد. در فرهنگ نیز شامل باورها و ارزش‌ها و کردارهاست.

بنابراین، ابتدا تغییر در شناخت‌ها و باورها صورت می‌پذیرد و سپس به تغییر ارزش‌ها و گرایش‌ها می‌انجامد. وقتی باورها و گرایش‌ها تغییر کرد، خود به خود رفتارها نیز دگرگون می‌شود.

عمر تهاجم فرهنگی، به درازای عمر بشر است و در طول تاریخ آثار آن را مشاهده می‌کنیم؛ اول تهاجمی تاریخی، تهاجم فرهنگ شیطانی بر

۱- سخنانی در دیدار گروهی از معلمان و فرهنگیان و جمعی از کارگزاران، ۱۲/۲/۱۳۶۹، فرهنگ در منظر مقام معظم رهبری، ص ۳۹۶.

۲- محمدحسین جمشیدی، «تهاجم فرهنگی چیست؟»، فصلنامه مطالعات بسیج، شماره ۳ و ۴.

فرهنگ آدم علیه السلام بود. از آنجا که قرآن تبیان هر چیز است و کتابی است که حق و باطل را از یکدیگر جدا می کند و متضمن سعادت بشر تا نهایت تاریخ است از این رو در این فصل، تهاجم فرهنگی را از منظر آیات و روایات بررسی می کنیم.

وجود انگیزه های تهاجم فرهنگی در دل دشمنان

وجود انگیزه های تهاجم فرهنگی در دل دشمنان

خداوند می فرماید:

وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِئُ لُؤُنُكُمْ وَمَا يُضِئُ لُؤُنَ إِلَّا أَنفُسُهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ؛ گروهی از اهل کتاب آرزو می کنند کاش شما را گمراه می کردند، در صورتی که جز خودشان [کسی] را گمراه نمی کنند و نمی فهمند. (آل عمران: ۶۹)

آیه می فرماید که دسته ای از اهل کتاب (یهود) دوست دارند و آرزو می کنند که شما را گمراه کنند و از ایمان به خدا به سوی کفر و شرک بازگردانند.

این آیه از آرزوی قلبی دسته ای از اهل کتاب زمان پیامبر پرده بر می دارد، اما از آنجا که مورد مخصّیص نیست، این واقعیت را بیان می کند که همه دشمنان اسلام چنین آرزویی را در دل دارند و این امر فقط با تغییر فرهنگ مسلمانان و در واقع تهاجم به فرهنگ آنها امکان پذیر است. بنابراین؛ این آیه خبر از توطئه فرهنگی در دل دشمنان اسلام می دهد.

در واقع، برای دشمنان اسلام مهم این است که جامعه مسلمانی با فرهنگ اسلامی وجود نداشته باشد، حال فرهنگ جای گزین هر چه باشد فرق نمی کند.

بنابراین، مسلمانان نباید در مباحث فرهنگی ساده لوحانه برخورد کنند و گفت و گو درباره تهاجم فرهنگی را توهم توطئه بدانند. همچنانکه در طول تاریخ هر جا اسم اسلام به میان آمده است. دشمنان داخلی و خارجی به مقابله با آن برخاستند، برخی از راه نظامی و برخی از طریق فرهنگی سعی کردند مظاهر و فرهنگ اسلام را از بین ببرند.

زمینه های تهاجم فرهنگی

اشاره

زمینه های تهاجم فرهنگی

زیر فصل ها

الف) دوستی دنیا زمینه پذیرش تهاجم فرهنگی

ب) اعتقاد نداشتن به آخرت زمینه پذیرش تهاجم فرهنگی

الف) دوستی دنیا زمینه پذیرش تهاجم فرهنگی

الف) دوستی دنیا زمینه پذیرش تهاجم فرهنگی

خداوند می فرماید:

زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ. (آل عمران: ۱۴)

دوستی خواستنی ها [ی گوناگون] از زنان و پسران و اموال فراوان از زر و سیم و اسب های نشان دار و دام ها و کشتزار [ها] برای مردم آراسته شد. [لیکن] این جمله مایه تمتع زندگی دنیاست و [حال آنکه] فرجام نیکو نزد خداست.

خداوند در این آیه، علاوه بر نکوهش علاقه شدید و وابستگی به امور دنیوی ای مانند زنان و ثروت و مرکب های خوب و دام و کشت، می فرماید اینها از امور دنیوی است که پس از مدتی از بین می روند و نیک و حسن عاقبت نزد خداست.

بی شک موارد یادشده از ضروریات زندگی دنیوی است و بدون آن گذران زندگی امکان پذیر نخواهد بود، اما آنچه نهدی و نکوهش شده،

هدف قرار دادن آنها و دلبستگی شدید به این امور دنیوی است که آخرت را از یاد می برد و انسان را تا سر حدّ حیوان تنزل می دهد.

بنابراین، مواردی چون زن و ثروت و امکانات مالی، می تواند وسیله آزمایش الهی قرار بگیرد. اگر آنها را در جایگاه خودشان و به عنوان ابزار زندگی استفاده کردیم و به آنها وابسته نشدیم، در آزمایش موفق بوده ایم، اما اگر از آنها به عنوان هدف استفاده کردیم و آرزوی ما رسیدن به آنها شد و جایگاه آنها را از سطح ابزار بالاتر بردیم، در آزمایش موفق نبودیم و خسران و ضرر کرده ایم. همین عامل زمینه سودجویی را برای سودجویان و دزدان و گردنکشان فرهنگی و غیر فرهنگی فراهم خواهد کرد تا به مطامع خویش دست یابند.

بی شک جامعه ای که مردم آن پیرو هوس ها و امیال شهوانی هستند، به آسانی در معرض تهاجم فرهنگی بیگانگان قرار گرفته و برای رسیدن به خواسته های شهوانی خود باورها و ارزش های دینی را زیر پا می گذارند و کم کم رفتار و منش آنها، برگرفته از فرهنگ وارداتی خواهد شد.

از این رو، شهوت پرستی و ارضای بی قاعده خواسته های غریزی، راهی برای نفوذ فرهنگی دشمن خواهد بود.

امیر مؤمنان علی علیه السلام در قسمتی از نامه ای به یکی از اصحابش فرمود:

فَارْفُضِ الدُّنْيَا فَإِنَّ حُبَّ الدُّنْيَا يُغْمِي وَ يُصِمُّ رِيْبِكُمْ وَ يُيْذِلُّ الرِّقَابَ؛ دنیا را رها کن که محبت دنیا کور و کر و لال و زبونی کند. (۱)

بر اساس این روایت، محبت بی جان دنیا آدمی را ناتوان از فهم واقعی

مسائل می‌کند. به عبارت دیگر، عقل انسان را که وسیله تشخیص خیر و شر است مختل می‌کند و راه را برای گمراه کنندگان و دزدان ایمان فراهم می‌کند. پس آنها در معرض هجوم فرهنگی دشمنان قرار می‌گیرند.

(ب) اعتقاد نداشتن به آخرت زمینه پذیرش تهاجم فرهنگی

(ب) اعتقاد نداشتن به آخرت زمینه پذیرش تهاجم فرهنگی

خداوند می‌فرماید:

وَلِتَصْغَىٰ إِلَيْهِ أَفئِدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَلِيَرْضَوْهُ وَلِيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُقْتَرِفُونَ.

و [چنین مقرر شده است] تا دل‌های کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند به آن [سخن باطل] بگرایند و آن را بپسندند، تا اینکه آنچه را باید به دست بیاورند، به دست آورند. (انعام: ۱۱۳)

خداوند در این آیه در ادامه آیه قبل می‌فرماید کسانی گوش به وسوسه‌های شیاطین جنی و انسی می‌دهند و دل‌هایشان به آنها متمایل می‌شود که ایمان به آخرت ندارند. در واقع، وسوسه‌ها و تبلیغات بیرونی وقتی پذیرفته می‌شود که ایمان افراد ضعیف و سست باشد. علت امر نیز روشن است؛ زیرا کسانی که اعتقادی به معاد و جهان آخرت ندارند و هستی و سرمایه خود را در همین دنیا می‌بینند از هر صدایی که به لذت جویی دعوت کند استقبال می‌کنند و به سوی آن جلب می‌شوند و این امر زمینه را برای اشاعه فحشاء و فساد و از بین بردن ارزش‌های دینی و فرهنگی و یا همان تهاجم فرهنگی فراهم می‌آورد.

موسیقی‌های مبتذل از ابزارهای تهاجم فرهنگی

موسیقی‌های مبتذل از ابزارهای تهاجم فرهنگی

خداوند می‌فرماید:

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ. (لقمان: ۶)

و برخی از مردم کسانی اند که سخن بیهوده را خریدارند تا [مردم را] بی [هیچ] دانشی از راه خدا گمراه کنند، و [راه خدا] را به ریشخند گیرند؛ برای آنان عذابی خوارکننده خواهد بود.

در مورد شأن نزول این آیه آمده است که نضر بن حارث، مرد تاجری بود که به ایران سفر می کرد و در آنجا اخبار و افسانه های ایرانی را از منابعش می گرفت و برای قریش تعریف می کرد و به ایشان می گفت: محمد از عاد و ثمود برایتان تعریف می کند و من از رستم و اسفندیار و اکاسره. مردم هم قصه های او را گوش می دادند و به آیات قرآن گوش فرا نمی دادند. (۱)

از این رو، آیه فوق نازل شد و کسانی را که با بیان داستان های موهوم مردم را از راه حق باز می دارند به عذاب الهی وعده می دهد. بی شک، این افراد درصد تغییر فرهنگ مسلمانان و یا بازداشتن دیگران از سخن حق بودند. در واقع، یک نوع تهاجم فرهنگی را پی ریزی می کردند. نکته دیگر اینکه بر اساس نظر مفسران «لَهْوُ الْحَدِيثِ» منحصر در داستان های موهوم نیست، بلکه هر سخن بیهوده را شامل می شود. مانند موسیقی مبتذل، در حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شده که غنا یکی از مصادیق «لَهْوِ الْحَدِيثِ» است. (۲)

در روایات نیز بر حرمت موسیقی های مبتذل و غنا تأکید شده است. ابن مسعود از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل می کند:

۱- ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۶، صص ۳۱۶ و ۳۱۷.

۲- ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۳۱۷.

الْغِنَاءُ يُنْبِتُ النَّفَاقَ فِي الْقَلْبِ كَمَا يُنْبِتُ الْمَاءُ الْبَقْلَ. (۱)

غنا و آوازه خوانی نفاق را در قلب پرورش می دهد و همان گونه که آب گیاه را پرورش می دهد.

از این رو، می بینیم در حال حاضر، موسیقی های مبتذل و آهنگ های مطرب، ابزاری برای دور کردن جوانان از دین و معارف الهی شده است؛ زیرا این آهنگ ها و نواها چنان بر روح و دل افراد اثر می گذارد که جایی برای شنیدن صدای فطرت و خداجویی نخواهد گذاشت.

علاوه بر این، موسیقی مبتذل راه را برای انجام فسادهای دیگر مانند زنا، میگساری و دیگر فسادهای اخلاقی دیگر باز می کند و حریم های عفت و حیا را در میان دختران و پسران جوان زیر پا می گذارد و آنان را آماده هر گونه اعمال خلاف می کند. بنابراین، یکی از ابزار تهاجم فرهنگی اشاعه موسیقی های مبتذل است.

برخی شیوه های تهاجم فرهنگی

اشاره

برخی شیوه های تهاجم فرهنگی

زیر فصل ها

الف) استفاده از نمادهای مذهبی در تهاجم فرهنگی

ب) جلوگیری از اشاعه فرهنگ اسلام از انقلاب

الف) استفاده از نمادهای مذهبی در تهاجم فرهنگی

الف) استفاده از نمادهای مذهبی در تهاجم فرهنگی

خداوند می فرماید:

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ. (توبه: ۱۰۷)

و آنهایی که مسجدی اختیار کردند که مایه زیان و کفر و پراکندگی میان مؤمنان است، و [نیز] کمینگاهی است برای کسی

که قبلاً با خدا و پیامبر او به جنگ برخاسته بود، و سخت سوگند یاد می کنند که جز نیکی قصدی نداشتیم. و [لی] خدا گواهی می دهد که آنان قطعاً دروغ گو هستند.

آیه فوق به داستان مسجد ضرار اشاره دارد که بعد از ساخته شدن مسجد قبا و اقامه نماز از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله در آن، عده ای از منافقان در کنار مسجد قبا، مسجد دیگری ساختند تا برای نقشه کشی علیه مسلمین پایگاهی داشته باشند مؤمنین را از مسجد قبا متفرق سازند و نیز در آن مسجد بر ضد پیامبر صلی الله علیه و آله به پا خیزند و ایشان را از مدینه بیرون کنند.

پس از آنکه منافقان مسجد ضرار را بنا کردند، از رسول خدا صلی الله علیه و آله درخواست کردند که در مسجد آنان، نماز بخواند و آنها را دعا کند. (۱)

اما خداوند پیامبرش را از توطئه سازندگان مسجد ضرار آگاه و حضرت را نهی می کند که در آن مسجد نماز بخواند و دستور می دهد آن مسجد را آتش بزنند و محل زباله باشد.

بنابراین، آیه فوق نشان می دهد که مسلمانان نباید فریب ظواهر را بخورند و باید آن قدر بصیر باشند که نیت بانیان و عواملی که این گونه برنامه ها را پشتیبانی می کنند بشناسد.

اصولاً استفاده از نمادهای مذهبی و یا چهره های مذهبی، برای تهاجم بر ضد آن مذهب و فرهنگ از روش های استعمارگران بوده است. آنها به خوبی می دانند که برای تغییر یک فرهنگ یا مذهب، نمی توان مخالفت علنی با آنها کرد بلکه باید به تدریج و کم کم آن فرهنگ را توخالی کرد و در این راه باید از نماد و چهره های آن فرهنگ استفاده کرد تا اطمینان

مردم را به خود جلب و آنگاه ضربه نهایی را بر آنها وارد کند.

در انقلاب ما نیز دشمن از این شیوه استفاده کرد از زبان چهره های مذهبی ساده لوح، شبهات را به جامعه تزریق می کند یا در قالب برپایی مراسم مذهبی افکار و اندیشه های خود را رواج می دهد.

بنابراین، استفاده از نمادها و چهره های فرهنگی بر ضد همان فرهنگ، از روش ها و شیوه های دشمن در تهاجم فرهنگی است که قرآن و اسلام مردم را از آن آگاه کرده است.

(ب) جلوگیری از اشاعه فرهنگ اسلام از انقلاب

(ب) جلوگیری از اشاعه فرهنگ اسلام از انقلاب

خداوند می فرماید:

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَبُونَ. (فصلت: ۲۶)

کافران گفتند به این قرآن گوش مدهید و سخن بیهوده بدان بیامیزید، شاید پیروز گردید.

این آیه به یکی از کارهای زشت کافران زمان پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره دارد. بر اساس روایات مورد شأن نزول آیه فوق چنین است که هرگاه پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه صدای خود را به تلاوت قرآن مجید و کلمات شیرین و جذاب و پر محتوای خداوند بلند می کرد، مشرکان مردم را از او دور می کردند و می گفتند سوت و صفیر بکشید و صدا را به شعر بلند کنید تا سخنان او را نشنوند.

این یکی از توطئه ها و شیوه های کفار برای جلوگیری از گسترش فرهنگ اسلام، در میان مردم بدفرهنگ آن زمان بوده است.

امروزه نیز استکبار جهانی در جنگ نرم و فرهنگی خود، بر ضد

اسلام و به خصوص انقلاب اسلامی ایران از همه ابزارها و تکنولوژی‌ها و برنامه‌های نرم افزاری بهره می‌برد تا نگذارد صدای اسلام و انقلاب به گوش جهانیان برسد و این فرهنگ در چهارچوب و حصار مرزهای ایران باقی بماند. استکبار پا را از این نیز فراتر می‌گذارد و از طریق ماهواره و فضای مجازی با اشاعه اخبار کذب، مرم را سرگرم می‌کند؛ به طوری که افرادی که در داخل کشور زندگی می‌کنند از شنیدن معارف و فرهنگ اسلام و انقلاب و اخبار کشور بیزار می‌شوند و هیچ‌گونه تمایلی برای شنیدن آن ندارند و یا فرصتی برای شنیدن پیدا نمی‌کنند. در واقع، استعمار با شگردهای خاص خود و ابزارهای پیشرفته رسانه‌ای که در دست دارد با یک تیر دو هدف را نشانه گرفته، اول آنکه مردم را از شنیدن فرهنگ و معارف اسلام و پیشرفت‌های کشور دور نگه می‌دارد و دوم آنکه فرهنگ منحط و مبتذل خود را تبلیغ می‌کند.

بنابراین، مانع تراشی برای نشر فرهنگ اسلامی و انقلابی، شیوه‌ای برای تهاجم بهتر فرهنگی است.

راه‌های مبارزه با تهاجم فرهنگی

اشاره

راه‌های مبارزه با تهاجم فرهنگی

زیر فصل‌ها

(الف) اعتماد نداشتن به مهاجمان فرهنگی

(ب) مجازات و طرد مفسدان فرهنگی

(ج) استفاده از روش‌های ایجابی قبل از برخورد سلبی

الف) اعتماد نداشتن به مهاجمان فرهنگی

الف) اعتماد نداشتن به مهاجمان فرهنگی

خداوند می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا تَنَجَّدُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَلَعِبًا مِنْ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكَفَّارَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ. (مائده: ۵۷)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید کسانی را که دین شما را به ریشخند و بازی گرفته‌اند [چه] از کسانی که پیش از شما به آنان

کتاب داده شده و [چه از] کافران، دوستان [خود] مگیرید، و اگر ایمان دارید از خدا پروا دارید.

خداوند در این آیه، به مؤمنان دستور می دهد که به کفار و منافقان اعتماد نکنند و آنها را دوست خود نگیرند؛ زیرا آنها دین شما را به سخره و بازی می گیرند.

این مطلب در آیات بسیاری تذکر داده شده از جمله سوره مائده آیه ۵۷ و سوره نساء آیه ۱۴۴. فلسفه مطلب این است که کسانی که اعتقادشان با ما فرق دارد و از هر راهی در صدد ضربه زدن به اسلام و مسلمین هستند قابل اعتماد نیستند و نباید با آنها به عنوان یک دوست و همراز و تکیه گاه نگاه کرد. تاریخ نشان می دهد که بدبختی های مسلمانان از همین اعتماد بی جا و دوستی های نابه جا با کفار سرچشمه می گیرد. اندلس و امپراتوی عثمانی بهترین گواه بر این ادعاست.

استکبار که منافع خود را در خطر می دید با تهاجم فرهنگی بر ضد فرهنگ غنی اسلامی، به مقابله با نظام جمهوری اسلامی پرداخت. راه مبارزه با این تهاجم به کارگیری این اصل قرآنی است که نباید کفار و دشمنان اسلام را دوست بگیریم و به آنها اعتماد کنیم. باید در همه زمینه های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی مراقب آنها بود. اگر مردم این اصل قرآنی را رعایت کنند و هر خبری که از رسانه های غربی خارج می شود وحی منزل ندانند، و هر مُید یا سبک زندگی برخاسته از غرب را به دیده تردید بنگرند و عاشق و شیفته نشوند، و هر فکر و اندیشه ای که از فرهنگ های مهاجم می آید نقد و بررسی کنند و آن را با مبانی فرهنگی کشورمان بسنجند، و در صورت هماهنگی با باورها و ارزش های خودمان آن را قبول کنند. و تهاجم فرهنگی مجالی برای عرضه نخواهد

داشت. اسلام هیچگاه با تبادل فرهنگی و داد و ستد ارزش های فرهنگی مثبت مخالفت نکرده است. اسلام با تقلید کورکورانه و بدون علم مخالف است.

(ب) مجازات و طرد مفسدان فرهنگی

(ب) مجازات و طرد مفسدان فرهنگی

خداوند می فرماید:

قَالَ فَاذْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَإِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَنْ تُخْلَفَهُ وَانظُرْ إِلَى إِلٰهِكَ الَّذِي ظَلَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا. (طه: ۹۷)

(موسی) گفت: برو که بهره تو در زندگی دنیا این است که (هر کس با تو نزدیک شود) بگویی «با من تماس نگیر» و تو میعاد از (عذاب خدا) داری که هرگز تخلف نخواهد شد. (اکنون) بنگر به این معبودت که پیوسته آن را پرستش می کردی و بین ما آن را نخست می سوزانیم سپس ذرات آن را به دریا می پاشیم.

آیه فوق به داستان سامری اشاره دارد که از غیبت حضرت موسی علیه السلام سوء استفاده کرد و با ساختن گوساله ای مردم را به شرک کرد. حضرت موسی علیه السلام پس از مراجعت و با مشاهده وضعیت دردناک قوم خود، از سامری بازخواست کرد و علت گمراه کردن مردم را جويا شد. ولی حضرت موسی علیه السلام پاسخ و عذر سامری قابل را نپذیرفت بنابراین فرمان محکومیت او را داد و سه حکم برای او صادر کرد.

۱. راندن از اجتماع و ادامه حیات به دور از مردم؛ ۲. وعده عذاب الهی در آخرت؛ ۳. از بین بردن و نابودی گوساله ای که ساخته بود.

بنابراین، بر اساس این آیه بر اینکه با کسانی که مردم را گمراه

می کنند و قصد تهاجم به فرهنگ مردم را دارند، باید برخورد کرد و آنها را مجازات و طرد کرد. نباید به بهانه آزادی آنها را رها کرد تا درس عبرتی برای دیگران باشد و کسی طمع در افساد و گمراهی مردم نداشته باشد.

بر اساس صریح آیه بالا باید آنچه را مظهر فساد است نابود کرد. چنانکه حضرت موسی علیه السلام به سامری گفت: به این معبودت (گوساله) که پیوسته آن را عبادت می کردی، نگاه کن و ببین ما آن را می سوزانیم و سپس ذرات آن را به دریا می پاشیم. (۱)

متأسفانه فضای فرهنگی کشور ما تحت تأثیر برخی افکار لیبرالیستی به سمتی می رود که هر کس انحرافی ایجاد می کند، با او برخورد نمی شود و این را آزادی عقیده و فکر به حساب می آورند. در صورتی که آزادی عقیده با گمراه کردن مردم تفاوت دارد. آزادی عقیده مطلبی است و تبلیغ و اشاعه خرافات و منکرات مطلب دیگری است و خلط این دو، مشکلاتی را به بار می آورد.

بنابراین، بر اساس این اصل قرآنی، نباید با منحرفان و مفسدان فرهنگی و محصولات آنها بی تفاوت بود و حتماً باید از جامعه طرد شوند و نتیجه کارشان نابود شود.

ج) استفاده از روش های ایجابی قبل از برخورد سلبی

ج) استفاده از روش های ایجابی قبل از برخورد سلبی

خداوند می فرماید:

قَالَ يَا قَوْمِ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِي

[لوط] گفت: «ای قوم من، اینان دختران منند. آنان برای شما پاکیزه ترند. پس از خدا بترسید و مرا در کار مهمانانم رسوا مکنید.

این آیه اشاره به داستان حضرت لوط علیه السلام دارد. بر اساس آنچه در تفاسیر آمده، مهمانان ناشناسی برای لوط پیامبر علیه السلام آمدند و حضرت آنها را به خانه اش دعوت کرد. در میان راه مرتب حضرت به مهمانانش تذکر می داد که مردم شهر او منحرف و شرور هستند تا شاید از آمدن منصرف شوند، لوط مهمانان را شبانه به خانه برد تا مردم متوجه آمدن آنها نشوند. همسر لوط که زن بی ایمانی بود، ورود میهمانان جوان و زیبا را به مردم شهر اطلاع داد. در این حال افراد قوم لوط، به سرعت به سوی خانه لوط آمدند، لوط برای اینکه مردم را از کار زشتی که در نیت داشتند منصرف کند فرمود: «من حتی حاضرم دختران خودم را به عقد شما درآورم، در عوض شما از این کار صرف نظر کنید. اما قوم او بی شرمانه گفتند: که تو خود می دانی که ما از دختران توقعی نداریم. این نهایت انحراف و پستی قوم لوط بود که در گناه خود غوطه ور شده بودند».^(۱)

از این آیات استفاده می شود که در برخورد با مظاهر منحرف فرهنگی و مبارزه با مصادیق تهاجم فرهنگی دشمن، نباید فقط به جنبه سلبی قضیه فکر کرد و در فکر تخریب و از بین بردن مصداق منکر بود، بلکه باید راه های حلال و مجاز را گسترش داد. آنگاه با کارهای منکر برخورد کرد. همچنان که حضرت لوط در مقابله با عمل زشت قومش که به

همجنسان خود نظر سوء داشتند، ازدواج با دخترانش را پیشنهاد کرد و آنها را دعوت به کار حلال و مجاز کرد تا از کار زشتشان دست بکشند. بنابراین، یکی از کارهایی که برای مبارزه با منکرات و مصادیق تهاجم فرهنگی می توان انجام داد این است که ابتدا در فکر کارهای حلال و جای گزین باشیم، سپس به نفی کار حرام پردازیم.

ازاین رو، وظیفه دولتمردان و سازمان ها و نهادهای فرهنگی این است که تنها به فکر موعظه و برخورد سلبی با منکرات نباشند، بلکه فضاهای سالم و تفریحی و ورزشی و امکانات مناسب برای اوقات فراغت ایجاد کنند و مجال کار و تلاش را فراهم آورند. سپس برخورد سلبی و موعظه ای داشته باشند، این روش بهتر نتیجه می دهد و به عدل نزدیک تر است.

منابع

کتاب

کتاب

- قرآن مجید، ترجمه فولادوند، تهران، دارالقران الکریم، ۱۴۱۵ ه. ق.
- آریان پور، زمینه جامعه شناسی، تهران، فرانکلین، چاپ دهم، ۲۵۳۶.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۳۶۳.
- پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، تهران، دنیای دانش، چاپ چهارم، ۱۳۸۲.
- جوادی آملی، عبدالله، شریعت در آینه معرفت، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجا، چاپ دوم، ۱۳۷۳.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
- شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه: صبحی صالح، قم، هجرت، چاپ اول، ۱۴۱۴ ه. ق.
- طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، قم، الشریف الرضی، چاپ چهارم، ۱۳۷۰.
- عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران، المطبعه العلمیه، چاپ اول، ۱۳۸۰ ه. ق.
- فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر الصافی، تهران، الصدر، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ه. ق.

قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳.

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ه. ق.

گروه مترجمان، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، فراهانی، چاپ اول، ۱۳۶۰ ش.

مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ه. ق.

محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۵ ش.

مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش عقاید، تهران، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۳.

مقام معظم رهبری، فرهنگ در منظر مقام معظم رهبری، تهران، مؤسسه نشر شهر، چاپ سوم، ۱۳۹۱.

مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴.

موسوی همدانی، سید محمدباقر، ترجمه تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴.

مقالات

مقالات

بهرامی، محمد، «نسبت دین و فرهنگ از نگاه قرآن»، نشریه پژوهش‌های قرآنی، شماره ۵۴ و ۵۵، سال ۱۳۸۷.

پیروزمند، علی رضا، «نقش دین در مهندسی فرهنگی کشور»، خبرگزاری فارس، سال ۱۳۸۶.

جمشیدی، محمد حسین، «تهاجم فرهنگی چیست؟»، فصلنامه مطالعات بسیج، شماره ۳ و ۴، ۱۳۷۳.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

خانه کتاب

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

